

دوره آموزشی الیوت به سبک رابرت ماینر و جیمی جانسون

مدرس: بهزاد بهزادی

مدرس دوره های الیوت

مقدمه

قبل از شروع دوره به بررسی نکاتی مقدماتی می پردازیم که هرچند تکراری اما رعایت تک تک آنها برای موفقیت شما در این بازار الزامی به نظر می رسد.

- **پای چارت ننشینید:** همواره به یاد داشته باشید که شما به عنوان یک تریدر نیازی نیست که پیپ به پیپ بازار را دنبال کنید و بسته به اینکه تایم فریم ترید شما متشکل از چه نوع کندل های زمانی باشد بایستی با بسته شدن هر کندل شرایط رو بررسی کنید. پس به عنوان یک توصیه مهم سعی کنید از نشستن مداوم و غیر ضروری جلوی چارت جدا خودداری کنید.
- **ضرورت استفاده از تایم فریم های بالاتر:** نکته مهم دیگری که باید مد نظر قرار گیرد این است که هر چه با تایم فریم بزرگتری کار کنید عملاً شاهد ایجاد شرایط تکنیکال تری در بازار خواهید بود. بنابراین سعی در استفاده از تایم فریم های یک ساعته به بالا نمایید.
- **پذیرش ریسک:** این موضوع اهمیت بسیاری دارد. زمانی که در یک پوزیشن هستید باید به معنای واقعی ریسک آن پوزیشن را پذیرفته باشید. هرگز فراموش نکنید که ترید هم یک بیزینس می باشد همانند سایر شغل ها و اصلاً تصور یک شبه پولدار شدن از طریق ترید را نداشته باشید.
- **اطمینان به استراتژی:** اگر دارای استراتژی مناسبی در این بازار هستید در صورت چند باخت پیاپی بلافاصله استراتژی خود را به زیر سوال نبرید. ثابت قدم بودن در این بازار ضروری است.
- **ترید بدون احساس:** سعی کنید همواره فارغ از نتیجه پوزیشن و اینکه به سود می رسید یا ضرر می کنید، بدون احساس ترید نمایید. پیاده سازی این موضوع هر چند سخت اما بسیار پراهمیت می باشد.

چهار قانون کلیدی و مهم قبل از شروع دوره:

چهار قانون زیر به عنوان پیش نیاز های الزامی استراتژی تعریفی ما در این دوره مورد نیاز هستند و عدم پایبندی به هر یک از آنها باعث عدم موفقیت کل سیستم ترید شما می گردد.

- 1- پوزیشن شما باید همواره استاپ داشته باشد.
- 2- همیشه باید نقطه ورود و نقطه استاپ لاس اولیه شما دقیقاً بر اساس استراتژی معین باشد.
- 3- باید در این بازار و پیاده سازی استراتژی خود بسیار منظم باشید.
- 4- حتماً باید به کلیه اصول مدیریت سرمایه پایبند باشید و فراموش نکنید که ترید یک business است نه راه یک شبه پولدار شدن.

مدیریت سرمایه (تعیین حداکثر میزان ریسک هر ترید)

مدیریت سرمایه مجاز بر اساس تایم فریم ترید تعیین می گردد که عمدتاً شامل سه دسته زیر است:

1- **ترید در تایم فریم زیر روزانه** با مدیریت سرمایه مجاز بین 0.5 تا 2 درصد سرمایه

2- **ترید در تایم فریم روزانه** با مدیریت سرمایه مجاز بین 2 تا 5 درصد سرمایه

3- **ترید در تایم فریم هفتگی** با مدیریت سرمایه بین 5 تا 10 درصد سرمایه

نکته کلیدی: به گروه اول اصطلاحاً دیلی تریدر و به گروه دوم اصطلاحاً سویینگ تریدر گفته می شود.

تریدرهایی که از سبک ترید نوع دوم می کنند (تریدر های حرفه ای تر) به دلیل اینکه عمدتاً از سیستم های ورود سریع تری استفاده می کنند بهتر است مرز کمتر مدیریت سرمایه رو به عنوان ریسک مجاز انتخاب نمایند. به طور مثال ریسک 2 درصد برای یک سویینگ تریدر نوع دوم گزینه ای بسیار ایده آل می باشد.

توجه نمایید که در اینجا برای شناسایی اینکه در کدام گروه قرار گرفته اید تایم فریم اصلی ترید مد نظر می باشد نه تایم فریم بالاتر.

چگونه باید بر اساس مدیریت ریسک حجم ترید را بر اساس لات سایز معین کنیم؟

1- فاصله نقطه ورود (تریگر) و نقطه خروج اولیه (استاپ لاس اولیه) را بر حسب پپ محاسبه می کنیم که به آن Pip Difference نیز گفته می شود.

2- عدد حاصل از بخش یک را در Pip Value ضرب می نماییم. توجه نمایید که Pip Value متغیر بوده و بر اساس نرخ سود بهره بانکی ارز ها معین می گردد که به راحتی از طریق اینترنت قابل دستیابی است.

$$\text{Capital Exposure} = \text{Pip Difference} * \text{Pip Value}$$

3- میزان ریسک مجاز برای هر پوزیشن را که درصدی از میزان سرمایه می باشد و بر اساس مدیریت سرمایه تعیین شده است بر حاصل بخش دو تقسیم می کنیم.

4- عدد بدست آمده را اگر به صورت ممیزی باشد به سمت پایین گرد می نماییم. عدد حاصله میزان لات مجاز شما برای ورود به پوزیشن مربوطه می باشد.

نکته کلیدی: اگر بروکر شما اجازه گرفتن پوزیشن ها را به صورت لات ممیزی می دهد نیازی به گرد کردن عدد نهایی ندارید.

کلید طلایی: از استاد خود بخواهید با ذکر چند مثال نکات مهم اضافی این بخش را برای شما ارایه نماید.

تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

نقاط ورود و استاپ لاس اولیه بر اساس کندل تریگر:

برای سیگنال های فروش نقطه ورود 5 پیپ پایینتر از لو LOW کندل تریگر و استاپ لاس اولیه 10 پیپ+ اسپرید جفت ارز بالاتر از قله می باشد.

برای سیگنال های خرید نقطه ورود 5 پیپ+ اسپرید جفت ارز بالاتر از های High کندل تریگر و استاپ لاس اولیه 10 پیپ پایینتر از دره می باشد.

نکته کلیدی: استفاده از فواصل 10 و 5 پیپ فاصله از های و لو کندل به این دلیل می باشد که قیمت بروکرها بر حسب نوع بروکر معمولاً اندکی (در حد چند پیپ) با قیمت واقعی بانک جهانی تفاوت می کند.

کلید طلایی: از استاد خود بخواهید توضیحات کامل تری در راستای تفاوت فرمول فروش با فرمول خرید و دلایل آن به شما ارائه دهد.

الگوهای کندلی:

الگوهای کندلی مهم بازگشتی قابل استفاده عبارتند از:

- 1- Evening Star و Morning Star (الگوهای سه کندلی)
- 2- First Wiseman (الگوهای تک کندلی)
- 3- Bullish Engulfing و Bearish Engulfing (الگوهای دو کندلی)

کلید طلایی: در صورت نیاز از استاد خود بخواهید تا توضیحات کامل تری در مورد الگوهای کندلی ارائه دهد.

مدیریت سرمایه (تعیین حداکثر میزان ضرر در دوره زمانی)

شما همواره باید برای حداکثر ضرر مجاز در یک دوره زمانی خاص برنامه داشته باشید. به مفهومی ساده تر با رسیدن به مرز ضرر مجاز در یک دوره تا انتهای آن پیروی مجاز به ترید نمی باشید.

نکته کلیدی: دلیل اصلی این موضوع استراحت مورد نیاز یک تریدر برای رسیدن دوباره به شرایط ایده آل ذهنی و روحی مورد نیاز بازار می باشد، پس سعی نمایید خود را ملزم به رعایت این اصل نمایید.

میزان محدوده ضرر مجاز عبارت است از:

- 1- برای یک دیلی تریدر این میزان معادل 3 درصد از سرمایه به ازای هر یک هفته می باشد.
- 2- برای یک سویینگ تریدر این میزان معادل 5 درصد از سرمایه به ازای هر یک ماه می باشد.

نکته کلیدی: برای محاسبه ریسک مجاز بر اساس مدیریت سرمایه شما باید در ابتدای هر پیروی زمانی ریسک مجاز برای پیروی آتی را محاسبه کنید. مثلاً یک سویینگ تریدر در ابتدای هر ماه معادل 2 درصد از سرمایه خود را محاسبه می کند و در طول کل ماه به ازای ورود به هر پوزیشن فارغ از اینکه نتیجه آن پوزیشن به سرمایه بیفزاید یا باعث کاهش سرمایه شود بر مبنای همین میزان ریسک در کل ترید های آن ماه ترید می کند. با رسیدن به انتهای ماه بر اساس میزان سرمایه جدید ریسک مجاز ماه آتی را تعیین می نماید.

کلید طلایی: از استاد خود بخواهید توضیحات جامع تری در مورد پیروی های زمانی به شما ارائه کند.

حداکثر ریسک مجاز برای پوزیشن های باز همزمان به چه میزان است؟

همچنین در صورتی که اقدام به گرفتن پوزیشن های همزمان کردید حداکثر میزان ریسک مجاز کل پوزیشن ها برابر با همان حداکثر ضرر مجاز در یک دوره است. به طور مثال برای یک سویینگ تریدر نوع دوم این میزان 5 درصد می باشد. با توجه به ریسک 2 درصد مجاز این تریدر برای هر پوزیشن، این نکته بدان مفهوم است که اگر دو پوزیشن باز داشته باشید برای پوزیشن سوم تنها مجاز به ریسک 1 درصد باقیمانده هستید.

نکته کلیدی: توجه نمایید که هر گاه یکی از پوزیشن های همزمان ریسک فری باشد عملاً جز پوزیشن های باز محسوب نمی گردد و ریسک آن به دلیل بی خطر بودن (بدون ریسک) صفر است.

ترید به صورت پوزیشن های دو یا چند قسمتی

همواره سعی کنید از پوزیشن های دو قسمتی و یا چند قسمتی برای ورود به بازار بر اساس تحلیل خود استفاده نمایید. با توجه به اینکه کار کردن با پوزیشن های چند بخشی کمی پیچیده می باشد در ابتدا بهتر است با پوزیشن های دو نیمه ای کار کنید.

نکته کلیدی: توجه نمایید که بعد از اینکه بر اساس مدیریت سرمایه میزان حجم معامله به لات مشخص شد آنرا به دو نیمه مساوی تقسیم می کنیم. استراتژی خروج (تارگت) و تریلینگ استاپ برای این دو نیمه کاملاً متفاوت می باشد که در آینده این دوره آموزشی توضیح کاملی در این مورد ارائه می گردد، اما شرایط ورود به پوزیشن (نقطه ورود و استاپ لاس اولیه) برای هر دو نیمه یکسان است.

نکته کلیدی: برای پرود به پوزیشن ها همیشه از پندینگ اردر و گزینه های بای استاپ و سل استاپ استفاده می نمایم. استفاده از سل و بای مستقیم هرگز پیشنهاد نمی گردد و منطبق با استراتژی تعریف شد در این دوره نمی باشد.

با سود حاصله در انتهای هر ماه چه کنم؟

یک روش ساده این است که در انتهای هر ماه نیمی از سود خود رو خارج کنید. به طور مثال اگر شما یک سویینگ تریدر باشید و با مبلغ 10000 دلار کار را شروع کنید، در ماه اول بر اساس ریسک فرضی 2 درصد، مجاز به گرفتن پوزیشن هایی با حداکثر 200 دلار ریسک هستید. حال در انتهای ماه اول اگر بر اساس برآیند سود و ضرر در ماه گذشته، مبلغ 600 دلار سود کرده باشید نیمی از آن را به حساب بانکی خود منتقل می کنید و در نتیجه بالانس اکانت شما به عدد 10300 می رسد که بر این اساس در ماه دوم مجاز به ریسک 206 دلار برای هر پوزیشن می باشید.

کلید طلایی: از استاد خود بخواهید تا شما را با سیستم جدید مدیریت حساب دوگانه که مختص تریدر های حرفه ای می باشد، آشنا سازد.

کلید طلایی: از استاد خود بخواهید تا شما را با جدول اهداف دراز مدت آشنا سازد.

ابزار مورد نیاز یک تریدر موفق

در پایان مباحث مقدماتی و قبل از ورود به بحث تخصصی الیوت، عناصری را که یک استراتژی ترید خوب باید شامل آنها باشد معرفی می کنیم:

1- **داشتن مدیریت دقیق و منظم سرمایه:** مهمترین عنصر یک سیستم استراتژی خوب است چرا که عملاً باعث ماندگار شدن سرمایه شما می گردد.

2- **انجام ترید به صورت پوزیشن های دو قسمتی:** این امکان را بوجود می آورد که حتی در صورت تحلیل اشتباه شما از جهت بازار، امکان سود دهی اندکی در بسیاری مواقع بوجود آید و جلوی ضررها گرفته شود.

3- **داشتن استراتژی ورود به بازار:** شما باید دقیقاً نقطه ورود خود به بازار را بر اساس سیستم معاملاتی از پیش بدانید و با پندینگ اردر پوزیشن خود را ثبت کنید.

4- **داشتن استراتژی تعیین استاپ لاس اولیه:** در حقیقت نقطه ای می باشد که عملاً رسیدن قیمت به آن نشان از اشتباه در آمدن تحلیل شماسست و بایستی با رسیدن به این نقطه از بازار ولو با ضرر خارج شوید. توجه داشته باشید که بر اساس بندهای 3 و 4 شما و درصد مدیریت سرمایه حجم واقعی ورود به معاملات تعیین می گردد.

5- **داشتن استراتژی خروج و تعیین تارگت:** برای هر کدام از نیمه های اول و دوم پوزیشن به صورت مجزا تعریف می گردد.

6- **داشتن استراتژی تریلینگ استاپ:** برای هر کدام از نیمه های اول و دوم پوزیشن به صورت مجزا تعریف می گردد. یک روش بسیار معمول به این صورت است که زمانی که تارگت نیمه اول پوزیشن زده شد می بایستی نیمه دوم پوزیشن را ریسک فری نمایید یا به عبارتی ساده تر نقطه استاپ نیمه دوم پوزیشن را به نقطه ورود منتقل نمایید. به این حرکت اصطلاحاً Break Even نیز گفته می شود.

روش های پیشرفته تری برای تریلینگ استاپ وجود دارد که به مرور با آن آشنا می شوید.

مهمترین درس بخش مقدماتی: همواره به یاد داشته باشید که داشتن یک استراتژی خوب به هیچ عنوان تضمین کننده موفقیت شما در این بازار نیست بلکه در کنار آن باید دارای نظم و دیسیپلین فوق العاده زیادی باشید و تحت هیچ شرایطی از قوانین سیستم خود تخطی نکنید.

الیوت- آشنایی با سه عنصر اصلی ترید

در این بخش از دوره آموزشی به عناصر سه گانه مورد نیاز جهت تعریف استراتژی ترید بر اساس سبک الیوت ماینر می پردازیم. استفاده از این سه عنصر به صورت تواما باعث تحلیل همه جانبه ابعاد چهارگانه بازار می گردد. در تحلیل الیوت به سبک ماینر، ابعاد چهارگانه به ترتیب عبارتند از:

- Pattern -1
- Price -2
- Time -3
- Momentum -4

عنصر اول- راهنمای امواج الیوت

اولین عنصر، راهنمای امواج الیوت می باشد که ما در این دوره ما از ورژن ساده راهنمای امواج الیوت، برای شناسایی امواج استفاده می نماییم.

سه راهنمای اصلی شناسایی امواج الیوت عبارتند از:

- 1- ترندها معمولا دارای ساختاری 5 موجی هستند. نام دیگر ترندها امواج ایمپالس می باشد.
- 2- کانتر ترندها معمولا دارای ساختاری 3 موجی هستند که نام دیگر آنها امواج کارکشن است.
- 3- ترندها معمولا در جهت ترند در تایم فریم بالاتر از خود شکل می گیرند.

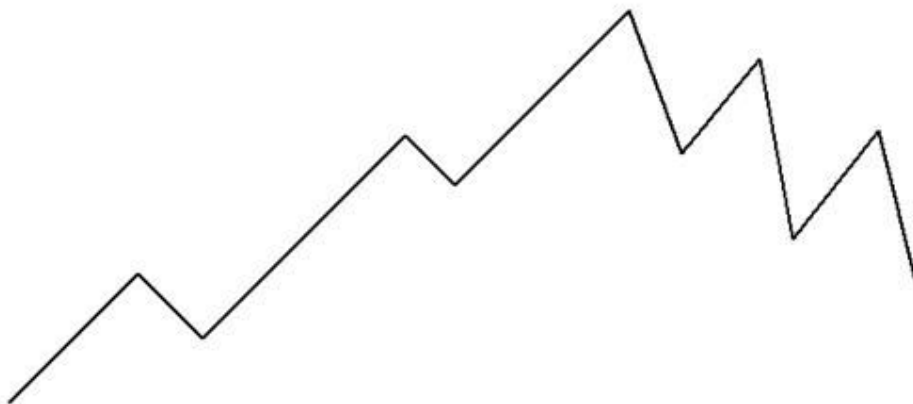
امواج همپوشان و غیر همپوشان

علاوه بر سه اصل اصلی در امواج الیوت، توجه به دو اصل دیگر اهمیت فراوان دارد:

1- ترندها معمولا دارای ساختاری غیر همپوشان یا Non Overlapping می باشند. مفهوم این جمله این است که در ساختار داخلی یک ترند امواج کانتز ترند نباید با یکدیگر تداخل یا همپوشانی داشته باشند.

2- کاتر ترندها معمولا ساختاری سه موجی دارند که به ABC ها معروفند. در صورتی که تعداد امواج کانتز ترند ها از سه تجاوز نماید و ساختاری 5 موجی یا بیشتر داشته باشند ساختار آنها به صورت همپوشان یا Overlapping می باشد. مفهوم این جمله این است که در ساختار داخلی یک کانتز ترند کامپلکس، امواج کانتز ترند با یکدیگر تداخل یا همپوشانی دارند.

نکته کلیدی: معمولا همجهت با ترند اصلی و در انتهای کارکشن ها ترید می کنیم.



عنصر دوم- نسبت های فیبوناچی در الیوت

ما از نسبت های فیبوناچی و تکنیک های مختلف آن برای شناسایی نواحی مقاومتی و حمایتی و همچنین شناسایی انتهای امواج استفاده می نماییم.

مهمترین نسبت های فیبوناچی عبارتند از: 38.2، 50، 61.8، 78.6، 100، 127 و 162

تکنیک های متداول، تکنیک های رتریسمنت، اکستنشن و پروجکشن هستند که بر روی هر دو بعد قیمت و زمان قابل پیاده سازی هستند.

نسبت های مهم در تکنیک های فیبوناچی قیمتی:

نسبت های مهم فیبوناچی ریتریسمنت قیمتی RET یا Internal Retracement عبارتند از 50، 62 و 79 که این نسبت ها برای شناسایی انتهای امواج کارکشن کارآیی دارند.

نسبت های مهم فیبوناچی اکستنشن قیمتی EXT RET یا External Retracement عبارتند از 127 و 162 که این نسبت ها برای شناسایی انتهای امواج ایمپالس کارآیی دارند.

نسبت های مهم فیبوناچی پروجکشن قیمتی APP یا Alternate Price Projection عبارتند از 100 و 162 که گاهی اوقات از نسبت 262 هم استفاده می نمایم.

چگونگی شناسایی کلاستر اصلی و محتمل تر قیمتی:

کلاستر اصلی بر مبنای نزدیک بودن نسبت های حاصله از پیاده سازی دو تکنیک ریتریسمنت و پروجکشن به دست می آید. به طور مثال نسبت 100 پروجکشن به هر یک از نسبت های 50، 62 یا 79 نزدیک تر باشد به همراه آن کلاستر اصلی (استاندارد) و محتمل را تشکیل می دهد.



تدوینگر: بهزاد بهزادی (مدرس دوره های الیوت)

Mobile No.: 0912 350 49 88

نسبت های مهم در تکنیک های فیبوناچی زمانی:

نسبت های مهم فیبوناچی رتریسمنت زمانی RET یا Internal Retracement عبارتند از 38، 62 و 100 که این نسبت ها برای شناسایی انتهای امواج کارکشن کارآیی دارند.

نسبت مهم فیبوناچی پروجکشن زمانی ATP یا Alternate Time Projection عبارت است از 100 که گاهی اوقات از نسبت 162 هم استفاده می نمایم.

چگونگی شناسایی کلاستر اصلی و محتمل تر زمانی:

کلاستر اصلی بر مبنای نزدیک بودن نسبت های حاصله از پیاده سازی دو تکنیک رتریسمنت و پروجکشن به دست می آید. به طور مثال نسبت 100 پروجکشن به هر یک از نسبت های 38، 62 یا 100 رتریسمنت نزدیک تر باشد به همراه آن کلاستر اصلی (استاندارد) و محتمل زمانی را تشکیل می دهد.

نکته کلیدی: همیشه نقاط های و لو چارت را با استفاده از کلید Date Labels در سمت چپ نرم افزار DT مشخص نمایید.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

در تصویر زیر پیاده سازی دو عنصر اول (راهنمای الیوت و فیوناچی) بر روی چارت مشخص می باشد.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

عنصر سوم- دی تی اسلاتور

اسیلاتورها سومین عنصری می باشند که در ترید از آنها استفاده می کنیم.

با توجه به اینکه این دوره آموزشی بر اساس سبک الیوت ماینری تعریف شده است از دی تی اسیلاتور به این منظور استفاده می کنیم، با این حال امکان استفاده از سایر اسیلاتور ها مانند MACD، RSI، و یا Stochastic نیز به جای DT Oscillator امکان پذیر می باشد.

پارامتر بهینه اسلاتور چگونه شناسایی می گردد؟

به عنوان یک اصل کلی از میان پارامتر های چهار گانه دی تی اسیلاتور، از پارامتری استفاده می نمایم که نقاط High و Low دی تی اسیلاتور، بیشترین هماهنگی را با نقاط High و Low چارت داشته باشد.

نکته کلیدی: الزاما نیازی نیست تمام لو و های ها در پارامتر بهینه با چارت هماهنگ باشد و مهم شناسایی پارامتر بهینه تر از میان چهار گزینه می باشد.

کلید طلایی: از استاد خود درخواست کنید تا توضیحات کامل تری در ارتباط با پارامتر بهینه در تایم فریم ترید و تایم فریم بالاتر، به شما ارایه بدهد.

به طور کلی ما از دی تی اسیلاتور به دو منظور استفاده می نمایم:

- 1- جهت شناسایی جهت ترند
- 2- جهت شناسایی پتانسیل احتمالی بازگشت روند بر اساس رپورسال ها

مناطق اشباع از خرید و فروش:

دی تی اسیلاتور دارای دو ناحیه فوقانی و تحتانی می باشد که با خطوط 25 و 75 درصد مشخص شده اند. این مناطق همان مناطق اشباع از خرید یا Overbought و اشباع از فروش یا Oversold می باشند که به اختصار با علائم ob و os نمایش داده می شود.

اصطلاحات متداول در دی تی اسیلاتور عبارتند از:

- 1- Bullish و Bearish که به ترتیب، منظور صعودی یا نزولی بودن خطوط اسیلاتور می باشد.
- 2- Bull OB و Bear OS که به ترتیب زمانی است که هر دو خط اسیلاتور به صورت تواما در مناطق فوقانی یا تحتانی اسیلاتور قرار می گیرند.
- 3- Bullish Reversal و Bearish Reversal که به ترتیب به معنای کراس خطوط اسیلاتور در نواحی اشباع از خرید و اشباع از فروش می باشد.

ترید در تایم فریم های چندگانه

شناسایی جهت ترند بر اساس موقعیت دی تی اسیلاتور در تایم فریم بالاتر صورت می پذیرد. شناسایی نقطه ورود به پوزیشن ها بر اساس موقعیت دی تی اسیلاتور در تایم فریم پایین ترید صورت می پذیرد.

نکته کلیدی و بسیار مهم: به یاد داشته باشید که در تایم فریم ترید، همواره می بایستی هم جهت با جهت ترند در تایم فریم بالاتر ترید کنید.

نحوه کار بر اساس تایم فریم دو گانه به چه صورت می باشد؟

در صورتی که دی تی اسیلاتور در تایم فریم بالاتر Bearish یا Bull OB باشد در تایم فریم اصلی ترید فقط مجاز به گرفتن پوزیشن های Sell یا Short هستید.

در صورتی که دی تی اسیلاتور در تایم فریم بالاتر Bullish یا Bear OS باشد در تایم فریم اصلی ترید فقط مجاز به گرفتن پوزیشن های Buy یا Long هستید.

نکته کلیدی: رپورسال ها اگر در میانه اسیلاتور هم صورت بگیرند سیگنال محسوب می شوند اما رپورسال ها در نواحی اشباع به مراتب از قدرت بالاتری برخوردار هستند.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی اول ورود- ورود بر اساس شکست Swing Low و Swing High

در یک ترند نزولی زمانی که آخرین سقف توسط روند قیمتی شکسته شود نشانه مهمی از تغییر جهت ترند قبلی و شروع ترند جدید می باشد. در این حالت کف قبلی تثبیت می گردد.

در یک ترند صعودی زمانی که آخرین کف توسط روند قیمتی شکسته شود نشانه مهمی از تغییر جهت ترند قبلی و شروع ترند جدید می باشد. در این حالت سقف قبلی تثبیت می گردد.

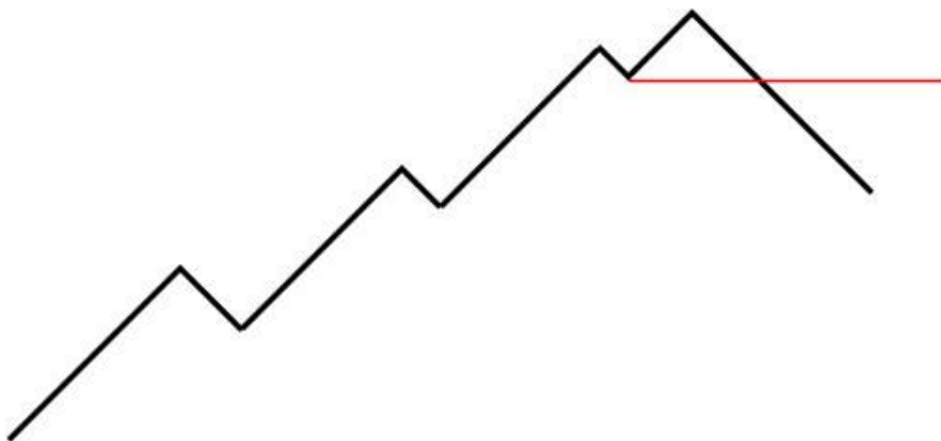
از این نشانه مهم می توان به عنوان نقطه ورود به بازار استفاده نمود و با شکست سقف یا کف قبلی وارد بازار شد. این استراتژی ورود را می توان بر اساس دی تی اسیلاتور فیلتر مناسب نمود که توضیحات آن در بخش بعد ارائه می گردد.

در این روش نقطه ورود بر چه مبنایی تعیین می گردد؟

جواب- نقطه ورود 5 پیپ پایینتر از کف قبلی و یا +5 اسپرید پیپ بالاتر از سقف قبلی می باشد.

نکته کلیدی: این استراتژی ورود احتمال وقوع پوزیشن هایی با درصد بالای موفقیت را می دهد اما در عین حال دارای استاپ لاس اولیه بزرگی می باشد و عملاً مقدار زیادی از حرکت اولیه از دست می رود.

نکته کلیدی: نام دیگر این روش روش برک اوت Break Out می باشد.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استفاده از روش ورود بر اساس شکست نقاط High و Low سوینگ ها از یک درجه پایینتر

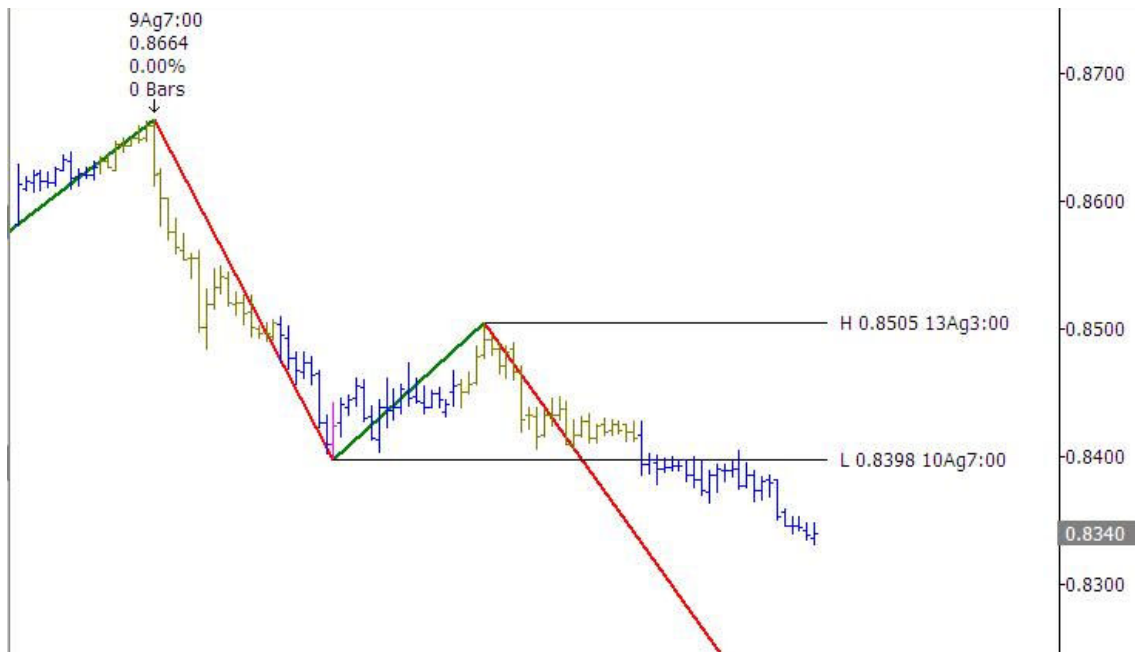
همانطور که اشاره گردید بزرگترین عیب استراتژی اول ورود این است که دارای استاپ لاس اولیه بزرگی می باشد. یکی از روش هایی که امکان بهینه کردن سیگنال ورود را فراهم می سازد استفاده از روش شکست بر اساس ریزموج ها می باشد (در این روش از برک اوت بر اساس ریز موج های یک درجه پایینتر استفاده می کنیم)

نکته کلیدی: کارکشن های ریز موج ها می بایستی حداقل دارای طول سه کندل باشند (حداقل شامل دو کندل کف و سقف و یک کندل میانی)

در این روش نقطه استاپ اولیه کجا قرار دارد؟

نقطه استاپ لاس اولیه برای سیگنال های فروش +10 اسپرید پپ بالاتر از سقف تثبیت شده ترند قبلی و برای سیگنال های خرید 10 پپ پایینتر از کف تثبیت شده ترند قبلی می باشد.

Mobile No.: 0912 350 49 88



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

نقش دی تی اسیلاتور در استراتژی اول ورود (شکست Swing Low و Swing High)

معمولا از دی تی اسیلاتور جهت فیلتر کردن سیگنال های ورود بر اساس روش برک اوت استفاده می کنیم. نحوه کار به این صورت است که:

- 1- در صورتی که بر اساس روش اول ورود به بازار، پوزیشن Sell یا Short داشته باشیم تنها در صورتی مجاز به گرفتن پوزیشن هستیم که دی تی اسیلاتور Bullish OB و یا Bearish باشد.
- 2- در صورتی که بر اساس روش اول ورود به بازار، پوزیشن Buy یا Long داشته باشیم تنها در صورتی مجاز به گرفتن پوزیشن هستیم که دی تی اسیلاتور Bearish OS و یا Bullish باشد.

نکته کلیدی: به یاد داشته باشید که Bull OB و Bear OS به ترتیب زمانی است که هر دو خط اسیلاتور به صورت تواما در مناطق فوقانی یا تحتانی اسیلاتور قرار می گیرند.

استراتژی دوم ورود- ورود بر اساس دی تی اسیلاتور (استراتژی Trailing One Bar)

استراتژی ورود بر اساس دی تی اسیلاتور نسبت به استراتژی برک اوت، دارای استاپ لاس اولیه کوچک تر و مناسب تری می باشد با این حال باید به این نکته توجه نمود که احتمال موفقیت سیگنال های این روش نسبت به روش اول کمتر می باشد.

نحوه کلی ورود به پوزیشن Sell یا Short چگونه است؟

زمانی که در دی تی اسیلاتور Bearish Reversal اتفاق افتاد کندل تثبیت شده معادل آن را در چارت می یابیم و 5 پیپ زیر آن پندینگ اردر خود را از جنس سل استاپ قرار می دهیم.

اگر با تثبیت کندل بعدی تریگر فعال نشد نقطه ورود به پنج پیپ زیر لو کندل جدید تثبیت شده منتقل می گردد. با تثبیت هر کندل در صورت فعال نشدن تریگر، این کار را ادامه می دهیم تا نهایتا وارد بازار شویم.

در این روش نقطه استاپ لاس اولیه +10 اسپرید بالاتر از سقف سوینگ می باشد.

نکته کلیدی: در صورتی که قبل از فعال شدن تریگر و پندینگ اردر، روند قیمتی سقف جدیدی بسازد پندینگ اردر خود را حذف می کنیم.

نکته کلیدی: در صورتی که قبل از فعال شدن تریگر و پندینگ اردر، در اسیلاتور شاهد Bullish Reversal یا Bearish OS (ورود هر دو خط به ناحیه اشباع از فروش) باشیم پندینگ اردر خود را حذف می کنیم.

اگر به یکی از دو دلیل فوق مجبور به حذف پندینگ اردر شدیم و یا اینکه به دلیل نبودن پای چارت موفق به ورود به هنگام به بازار بر اساس استراتژی دوم نشدیم چه کنیم؟

در این حالت همچنان می توانید از روش اول ورود به بازار یا همان Break Out استفاده نمایید. توجه کنید که در صورت استفاده از استراتژی اول، حتما بایستی از نقش فیلتری دی تی اسیلاتور استفاده نمایید.

کلیه مراحل برای ورود به پوزیشن خرید عکس حالت فوق است. (تنها تفاوت در محاسبه اسپرید در نقطه ورود به جای استاپ لاس اولیه می باشد)

تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی اول خروج- جابجایی استاپ به روش کندل تریلینگ (روش Trailing One Bar)

در صورتی که امکان کنترل مارکت را به صورت کندل به کندل دارید، با رسیدن قیمت به تارگت ها به جای بستن پوزیشن شروع به جابجایی استاپ به سبک کندل تریلینگ بنمایید. این روش بعضا باعث می گردد تا در ترندهای قدرتمند امکان سودگیری بیشتری از بازار مهیا گردد.

شیوه کار به این صورت است که با رسیدن به تارگت در یک روند صعودی، استاپ لاس به ده پیپ پایین آخرین کندل تثبیت شده منتقل می گردد. از این مرحله به بعد با تثبیت هر کندل جدید استاپ به ده پیپ پایین آن منتقل می گردد تا نهایتا از بازار خارج شویم. (برای حالت نزولی استاپ به +10 اسپرید پیپ بالای کندل تثبیت شده منتقل می گردد)

نکته کلیدی: در صورتی که یک دیلی تریدر (چهار و یک ساعته) هستید، تنها در صورتی از این استراتژی استفاده نمایید که با بسته شدن هر کندل پای چارت باشید. در غیر این صورت پوزیشن را بر روی همان تارگت های از پیش تعیین شده ببندید.

نکته کلیدی: زمانی که تریدر شما فعال شد و وارد بازار شدید حتی اگر بازار برای مدت زمان طولانی رنج باقی بماند باید به استراتژی خود پایبند باشید و فقط بر اساس استراتژی تعریف شده خروج، عمل کنید. پس بدون دلیل از بازار خارج نشوید و به بازار فرصت دهید تا مسیر خود را پیدا کند.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی دوم خروج- جابجایی استاپ به روش شکست Swing Low و Swing High

در این روش نحوه جابجایی استاپ بدین صورت است که در یک پوزیشن خرید با شکل گیری و تثبیت هر کف جدید فرعی (از درجه ریز موج) استاپ پوزیشن به 10 پیپ زیر کف تثبیت شده منتقل می گردد. توجه نمایید که کف مورد نظر می بایستی حتما تثبیت شده باشد (بر اساس روش برک اوت یا شکست Swing High امواج از درجه Minor)

برای پوزیشن فروش شرایط به گونه عکس می باشد.

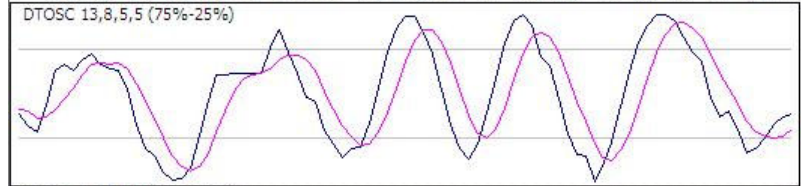
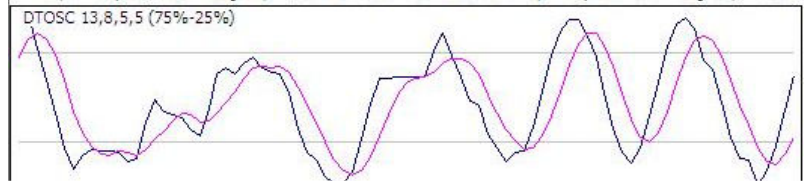
نکته کلیدی: ریز موج های کارکنشی که بعد از تثبیت، استاپ به زیر آنها منتقل می گردد حداقل باید دارای 3 کندل باشند (شامل دو کندل سقف و کف)

چه زمانی مجاز به استفاده از این روش برای جابجایی استاپ هستیم؟

حالت اول- زمانی که پوزیشن به تارگت رسیده باشد. تا قبل از آن اجازه جابجایی استاپ را نداریم. با رسیدن پوزیشن به تارگت منتظر می مانیم تا اولین کارکشن از درجه ریز موج ایجاد گشته و این کارکشن تثبیت گردد، سپس استاپ را به زیر این کارکشن منتقل می نمایم.

حالت دوم- در حالت دوم نیازی نیست که الزاما به تارگت برسیم. زمانی که در اسیلاتور مجددا رپورسال در جهت پوزیشن اتفاق بیفتد و کف یا سقف سوینگ فرعی کارکشن نیز تثبیت شده باشد می توان استاپ را به زیر کارکشن فرعی تثبیت شده منتقل نمود. مهم نیست کدام یک زودتر اتفاق بیفتد اما زمانی که می خواهیم استاپ را جابجا کنیم بایستی هر دو اتفاق افتاده باشد. با هر بار دیگر که این دو (رپورسال جدید در اسیلاتور در جهت پوزیشن و تثبیت یک کارکشن فرعی) اتفاق بیفتند می توانیم مجددا استاپ را به زیر سوینگ جدید منتقل نمایم و این کار را تا زمانی ادامه دهیم که از بازار خارج شویم.

Mobile No.: 0912 350 49 88



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

مروری بر ترندها و کانتر ترندها

امواج ایمپالس یا ترندها اغلب دارای الگوهای غیر همپوشان یا Non Overlapping هستند. این امواج اغلب به صورت الگوهای با ساختار 5 موجی ظاهر می شوند.

ترندها معمولا در جهت روند اصلی در تایم فریم بالاتر از خود شکل می گیرند.

امواج کارکشن یا کانتر ترندها اغلب به صورت الگوهای 3 موجی ظاهر می شوند که این الگوها به ABC معروف هستند. امواج کارکشن که دارای ساختاری بیش از 3 موج باشند به کارکشن های کامپلکس معروف هستند که ساختاری همپوشان یا Overlapping دارند.

بهترین نوع کارکشن ها کدام است؟

الگوهای ABC بهترین نوع کارکشن ها برای انجام ترید می باشند چرا که چه از لحاظ زمانی و چه از لحاظ قیمتی کلاستر انتهای آنها با احتمال بالایی قابل پیش بینی می باشد.

نکته کلیدی: اولین سوالی که در مواجهه با یک چارت باید از خود بپرسیم این است که آیا روند فعلی بیشتر دارای خصوصیات ترندی این یا کانتر ترندی. برای رسیدن به پاسخ این سوال، راحت ترین و مطمئن ترین تکنیک، توجه به خاصیت همپوشانی یا غیر همپوشانی آن روند می باشد.

اهمیت شناسایی ترندها و کانتر ترندها:

شناسایی ترند ها و کانتر ترندها اهمیت بسیار زیادی در الیوت دارد که به سوال میلیون دلاری مشهور است. شما همیشه باید در جهت ترندها ترید کنید. حتما به خاطر دارید که ترندها در اغلب اوقات در جهت روند در تایم فریم بالاتر از خود شکل می گیرند.

در صورتی که روند فعلی یک چارت دارای خواص کاتر ترندی باشد می بایستی در انتهای آن کانتر ترند و در خلاف جهت کانتر ترند اقدام به گرفتن پوزیشن نمایید.

تارگت های قیمتی و زمانی استاندارد برای کارکشن ها

بعد قیمت: معمولا انتهای کارکشن ها فارغ از اینکه به صورت ABC باشند یا کامپلکس، در محدوده قیمتی 50 تا 62 درصد فیبوناچی رتریسمنت ترند ما قبل کارکشن شکل می گیرد.

سوال- آیا انتهای کارکشن ها همیشه باید در کلاستر معمول قیمتی 50 تا 62 درصد باشد؟

خیر. بازار همواره ایده ال نیست و در بسیاری اوقات شاهد اتمام کارکشن ها قبل از نسبت 50 درصد و یا بعد از نسبت 62 درصد فیبوناچی رتریسمنت هستیم.

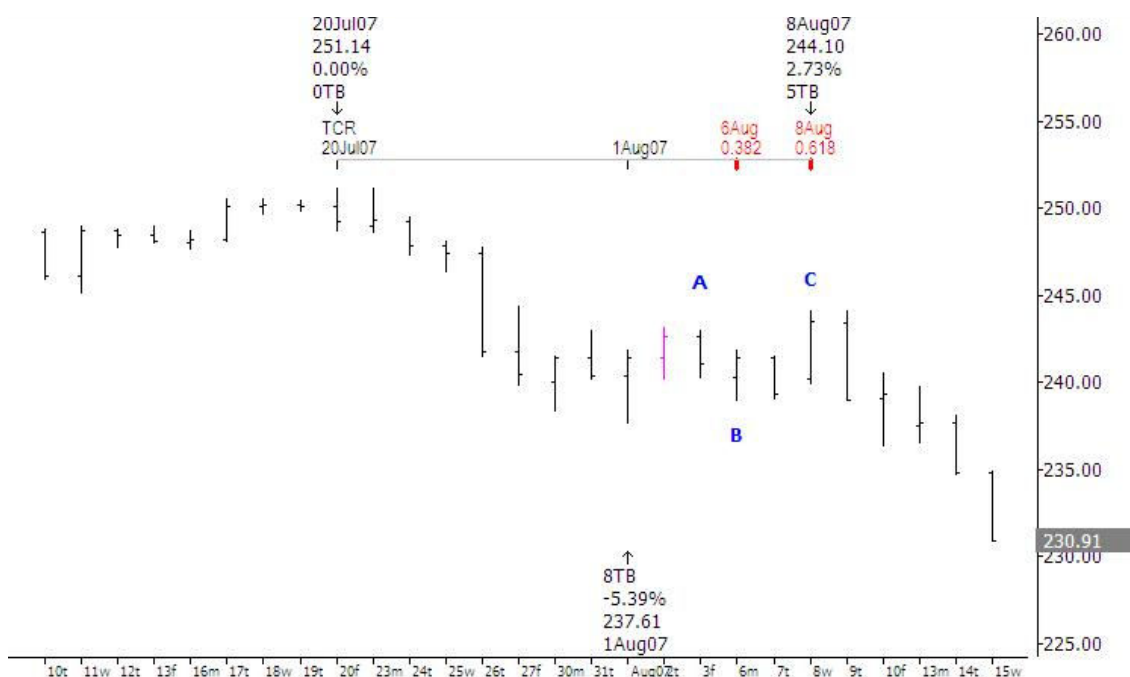


تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

تدوینگر: بهزاد بهزادی (مدرس دوره های الیوت)

Mobile No.: 0912 350 49 88

بعد زمان: معمولا انتهای کارکشن ها فارغ از اینکه به صورت ABC باشند یا کامپلکس، در محدوده زمانی 38 تا 62 درصد فیبوناچی رتریسمنت ترند ما قبل کارکشن شکل می گیرد. با این حال توجه داشته باشید که در بازار فارکس بر خلاف سایر بازارها، به دلیل خصوصیات این بازار در اغلب اوقات کارکشن ها از نظر زمانی بلندتر از موج ایمپالس ما قبل کارکشن می باشند.



نکته کلیدی: اگر انتهای یک کارکشن هم در کلاستر قیمتی و هم کلاستر زمانی متداول قرار گیرد، شانس ترید بر روی آن دو چندان می گردد.

نکته کلیدی: اگر انتهای کارکشن ها دقیقا بر روی نسبت کلیدی 62 درصد زمانی به اتمام برسد، شانس ترید بر روی آن دو چندان می گردد.

نکته کلیدی: توجه داشته باشید که احتمال اتمام کارکشن ها در کلاستر قیمتی متداول بیشتر از کلاستر زمانی متداول می باشد. به عبارتی ساده تر بعد قیمت بسیار پر اهمیت تر از بعد زمان می باشد.

تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

نارگت های قیمتی و زمانی ماگزیمم برای کارکشن ها

بعد قیمت: در صورتی که یک کارکشن کلاستر قیمتی استاندارد 50 تا 62 درصد فیوناچی رتریسمنت را بشکند، به احتمال قوی نسبت 79 درصد فیوناچی رتریسمنت ترند ما قبل، محتمل ترین نسبت برای انتهای آن کارکشن می باشد.

بعد زمان: در صورتی که یک کارکشن کلاستر زمانی استاندارد 38 تا 62 درصد فیوناچی رتریسمنت را بشکند، به احتمال قوی نسبت 100 درصد فیوناچی رتریسمنت ترند ما قبل، محتمل ترین نسبت برای انتهای آن کارکشن می باشد.

نکته کلیدی: عبور زمان کارکشن از نسبت 100 درصد فیوناچی رتریسمنت به هیچ عنوان به مفهوم باطل شدن آن کارکشن نمی باشد، در صورتی که عبور قیمت کارکشن از نسبت 100 درصد فیوناچی رتریسمنت به مفهوم باطل شدن کارکشن مربوطه و تحلیل می باشد. به عبارت ساده تر در صورتی که روند قیمتی یک کارکشن از ابتدای ترند ما قبل کارکشن تجاوز نماید می بایستی در تحلیل خود تجدید نظر نماییم.

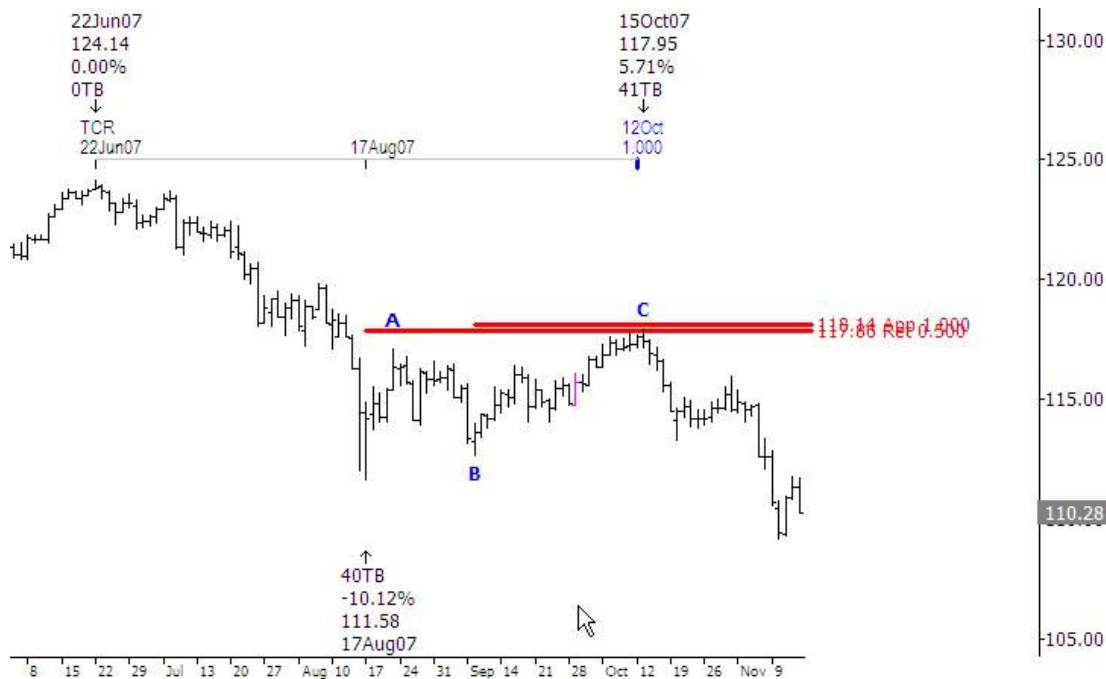


تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

تارگت های استاندارد و ماگزیم قیمتی برای انتهای موج C کارکشن های ABC

بعد قیمت: در کارکشن های ABC همانند سایر کارکشن ها، انتهای محتمل کارکشن بر اساس نسبت های 50، 62 یا 79 فیبوناچی ریتریسمنت ترند ما قبل تعیین می گردد. همچنین انتهای موج C از کارکشن های ABC در حالت استاندارد نزدیک به پروجکشن 100 یا APP100 موج A به اتمام می رسد. بدین ترتیب با تلفیق دو تکنیک فوق می توان کلاستر های دقیق تری را ایجاد نمود.

نکته کلیدی: معمولا نسبت 100 پروجکشن به هر یک از نسبت های 50، 62 یا 79 نزدیک تر باشد به همراه آن کلاستر استاندارد محتمل قیمتی را تشکیل می دهد.



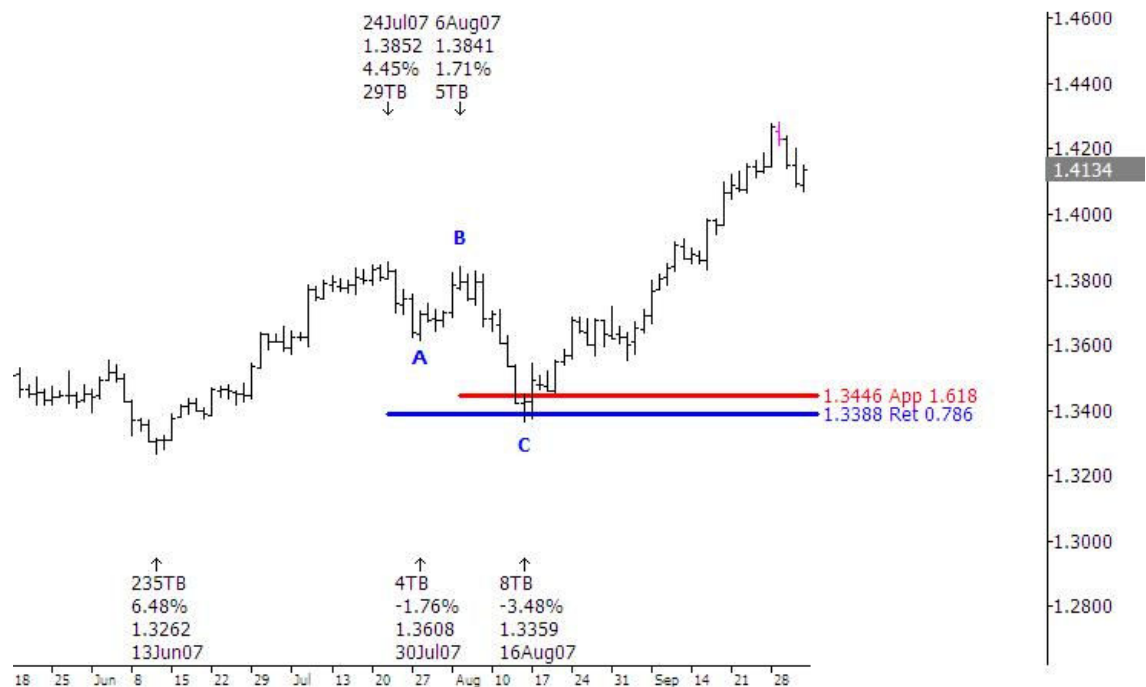
تدوینگر: بهزاد بهزادی (مدرس دوره های البوت)

Mobile No.: 0912 350 49 88

نکته کلیدی: در صورتی که موج C از کارکشن ABC قاطعانه نسبت 100 پروجکشن موج A را بشکند، در این صورت نسبت پروجکشن 162 موج A نسبت محتمل بعدی برای انتهای کارکشن می باشد.

نکته کلیدی: این نسبت به هر یک از نسبت های 50، 62 یا 79 فیبوناچی ریتریسمنت ترند ما قبل نزدیک تر باشد به همراه آن کلاستر ماگزیمم را برای انتهای کارکشن ABC معین می نماید.

کلید طلایی: توجه نمایید که عمدتاً زمانی از کلاستر ماگزیمم برای شناسایی انتهای کارکشن های ABC استفاده می نمایم که کلاستر استاندارد قاطعانه شکسته شده باشد. از استاد خود بخواهید تا نکات کلیدی و مهم را در مورد مقایسه نسبت های 100 و 162 ارایه دهد.



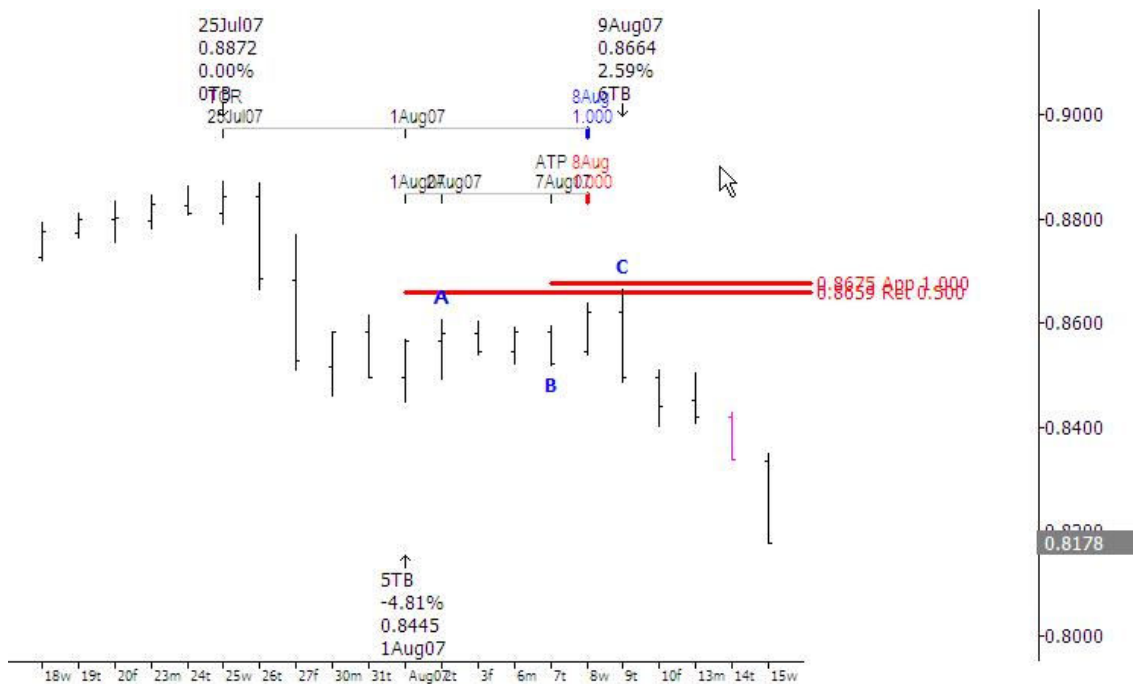
تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

تارگت استاندارد زمانی برای انتهای موج C کارکشن های ABC

بعد زمان: در کارکشن های ABC همانند سایر کارکشن ها، انتهای محتمل کارکشن بر اساس نسبت های 38، 62 یا 100 فیبوناچی ریتریسمنت ترند ما قبل تعیین می گردد. همچنین انتهای موج C از کارکشن های ABC در حالت استاندارد نزدیک به پروجکشن 100 یا APP100 موج A به اتمام می رسد. بدین ترتیب با تلفیق دو تکنیک فوق می توان کلاستر های زمانی دقیق تری را ایجاد نمود.

نکته کلیدی: معمولاً نسبت 100 پروجکشن به هر یک از نسبت های 38، 62 یا 100 نزدیک تر باشد به همراه آن کلاستر استاندارد محتمل زمانی را تشکیل می دهد.

کلید طلایی: از استاد خود بخواهید تا توضیحاتی در مورد کلاستر ماگزیمم زمانی کارکشن ها در بازار فارکس به شما ارائه دهد.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

کارکشن های کامپلکس ABCDE

کارکشن های کامپلکس به کارکشن هایی گفته می شود که دارای ساختاری بیش از سه ریز موج باشند. توجه داشته باشید که تنوع کارکشن های کامپلکس بسیار زیاد است و شناسایی همه آنها کاری دشوار است.

نکته کلیدی: متداول ترین نوع کارکشن های کامپلکس، کارکشن های ABCDE هستند که کاملاً مناسب برای ترید هستند چرا که انتهای اتمام آنها چه از لحاظ قیمتی و چه از لحاظ زمانی قابل پیش بینی می باشد.

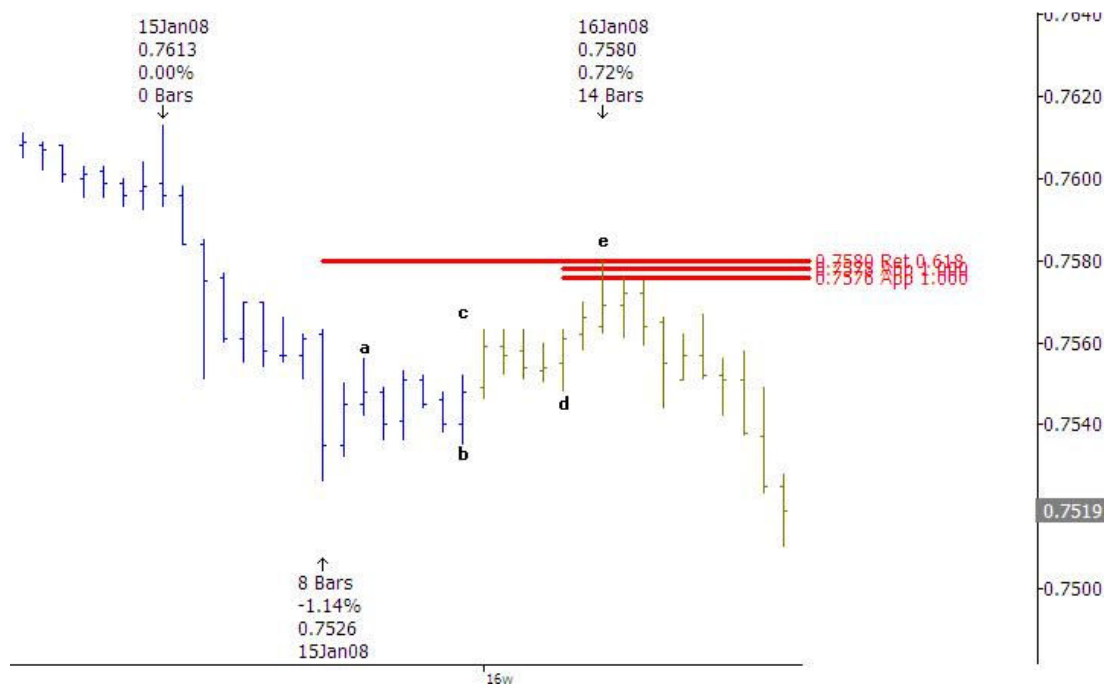
چگونه تشخیص دهیم یک سیکل 5 موجی یک ترند است یا یک کارکشن ABCDE ؟

برای شناسایی این موضوع از قانون مهم امواج همپوشان یا غیر همپوشان استفاده می نمایم که در این دوره آموزشی، قبلاً در مورد آن صحبت شده است. در صورتی که امواج دارای خاصیت همپوشانی باشند به احتمال قوی با یک کارکشن کامپلکس ABCDE روبرو هستیم.

تارگت های استاندارد قیمتی برای انتهای موج E کارکشن های ABCDE

بعد قیمت: در کارکشن های ABCDE همانند سایر کارکشن ها، انتهای محتمل کارکشن بر اساس نسبت های 50، 62 یا 79 فیبوناچی ریتریسمنت ترند ما قبل تعیین می گردد. همچنین انتهای موج E از کارکشن های ABCDE در حالت استاندارد نزدیک به پروجکشن 100 یا APP100 موج A و پروجکشن 100 یا APP100 موج C از کارکشن ABCDE به اتمام می رسد. بدین ترتیب با تلفیق دو تکنیک فوق می توان کلاستر های دقیق تری را ایجاد نمود.

نکته کلیدی: معمولاً نسبت های 100 پروجکشن به هر یک از نسبت های 50، 62 یا 79 نزدیک تر باشد به همراه آن کلاستر استاندارد محتمل قیمتی را تشکیل می دهد.



سیگنال تکمیل و تثبیت موج C از کارکشن ABC

سوال کلیدی: یکی از سوالات بسیار مهم و پرارزش پس از شکل گیری یک کارکشن ABC این است که از کجا می توان متوجه تکمیل و تثبیت موج انتهایی کارکشن یا موج C گردید؟

دلیل اهمیت این سوال در این است که غالباً ترید در انتهای کارکشن ها مد نظر تریدرها می باشد و به همین دلیل شناسایی زمان تثبیت موج C از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

جواب: در یک کارکشن صعودی ABC زمانی که روند جدید نزولی، قیمت کف موج B را بشکند موج C از کارکشن تثبیت می گردد. معمولاً با این شکست علامت سوال را از جلوی شمارش C بر می داریم.

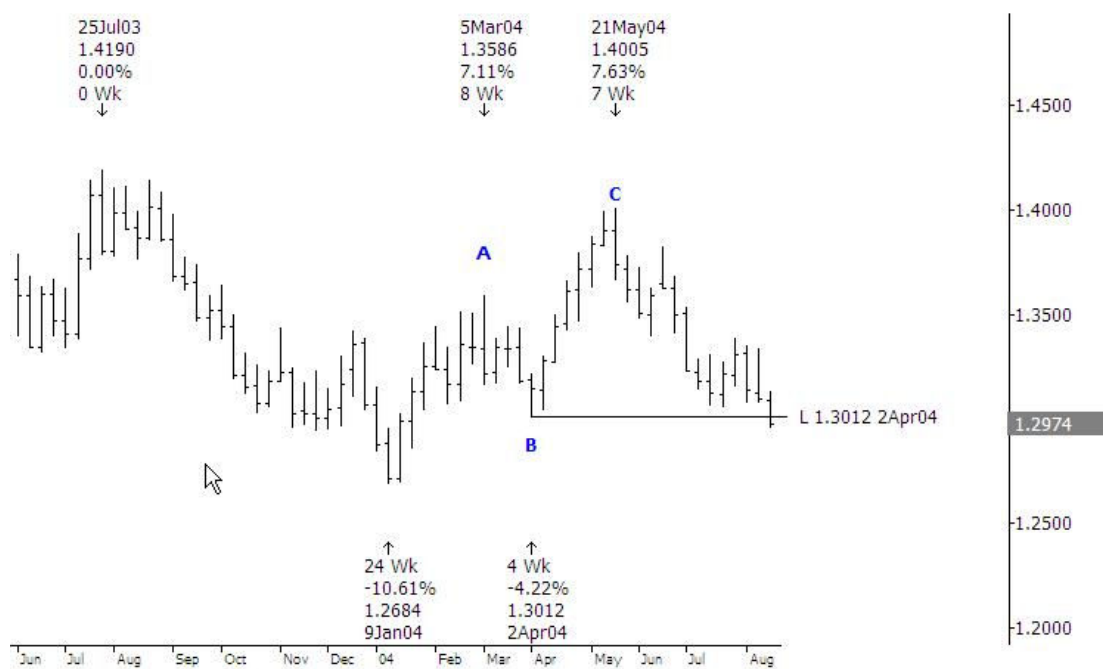
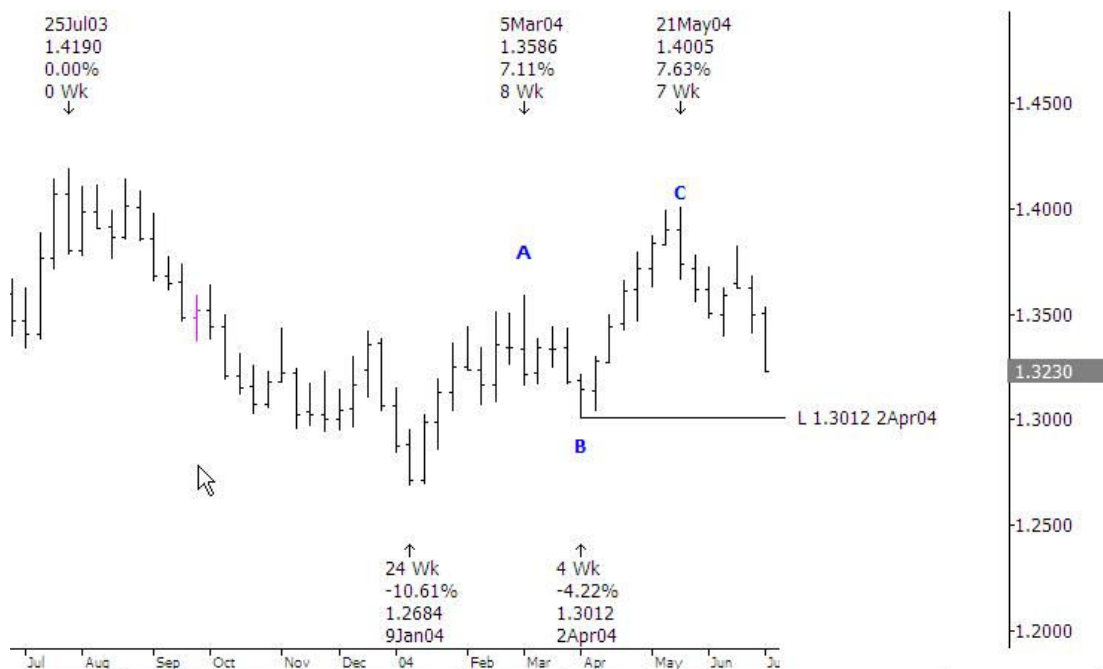
در یک کارکشن نزولی، زمانی موج C تثبیت می گردد که روند جدید صعودی، قیمت سقف موج B را بشکند.

نکته کلیدی: تثبیت موج C گواه بسیار خوبی برای شروع ترند جدید می باشد و به همین دلیل از این نقطه به عنوان نقطه ورود به پوزیشن ها استفاده می نمایم. حتماً به یاد دارید که شناسایی نقطه ورود به بازار از عناصر اصلی یک سیستم تریدینگ موفق به حساب می آید.

نکته کلیدی: همانطور که مشاهده می کنید این روش ورود علاوه بر ایجاد تاخیر نسبتاً زیاد، استاپ لاس بزرگی را به تریدر تحمیل می نماید و استفاده مستقیم از این روش چندان کاربردی نمی باشد.

Mobile No.: 0912 350 49 88

در تصویر زیر نمونه ای از تثبیت موج C و شناسایی نقطه ورود مناسب به پوزیشن فروش را مشاهده می کنید.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

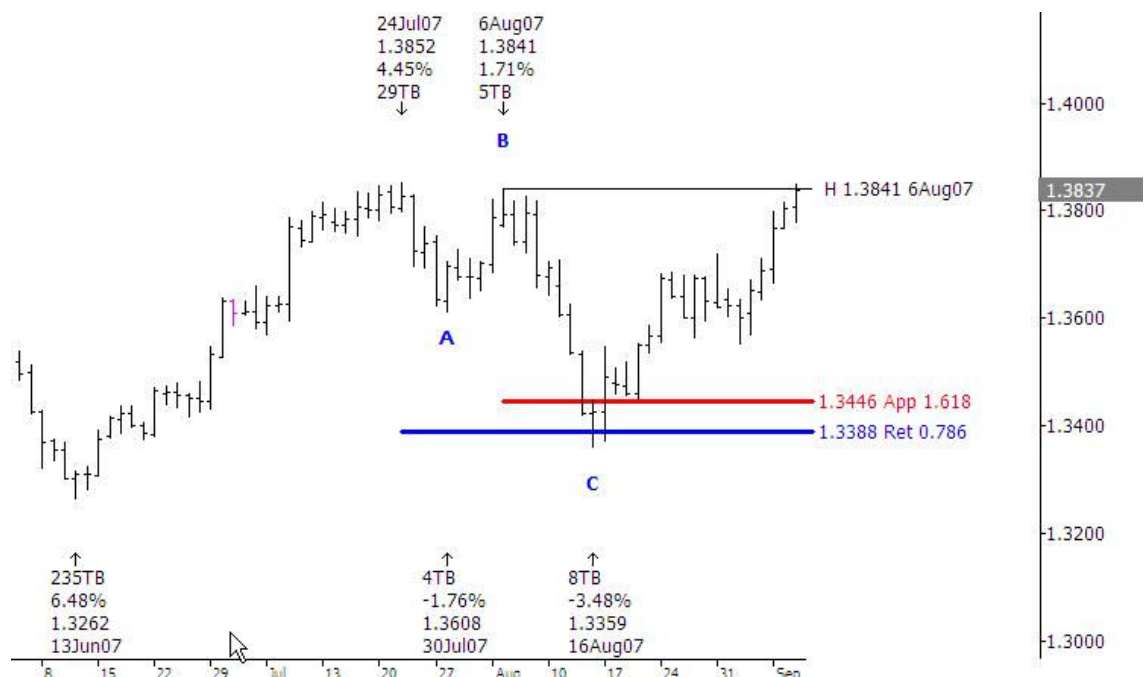
سیگنال تکمیل و تثبیت کل کارکشن ABC

سوال کلیدی: یکی دیگر از سوالات بسیار مهم و پرارزش پس از شکل گیری یک کارکشن ABC این است که از کجا می توان متوجه تکمیل و تثبیت کل کارکشن ABC گردید؟

دلیل اهمیت این سوال در این است که تثبیت کارکشن ABC به مفهوم صحت تحلیل و شمارش گذاری صورت پذیرفته برای کارکشن می باشد.

جواب: در یک کارکشن صعودی ABC زمانی که روند جدید نزولی، قیمت کف موج A را بشکند، کارکشن تثبیت می گردد و در صورتی که قبل از آن روند قیمتی سقف موج C را بشکند به مفهوم باطل شدن کارکشن ABC و در نتیجه تحلیل می باشد.

نکته کلیدی: شکست موج C قبل از شکست ابتدای موج A، گواه بسیار خوبی برای باطل شدن کارکشن ABC و تحلیل می باشد و به همین دلیل از این نقطه به عنوان نقطه خروج اولیه (استاپ لاس اولیه) استفاده می نمایم. حتما به یاد دارید که شناسایی نقطه خروج اولیه از بازار، از عناصر اصلی یک سیستم تریدینگ موفق به حساب می آید.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی خرید شماره یک بر روی کارکشن های ABC

قوانین ورود برای فروش: پس از اینکه موج C از یک کارکشن ABC صعودی در یکی از کلاسترهای استاندارد یا ماگزیمم قیمتی و زمانی ایجاد گردید، بر اساس مراحل زیر می توان خرید نمود:

1- با شکست انتها یا همان کف موج B، پندینگ اردر خود را از جنس فروش 5 پیپ پایینتر از کف موج B قرار می دهیم.

2- در صورت فعال شدن تریگر، نقطه استاپ اولیه 10+اسپرید آن جفت ارز بالاتر از سقف موج C می باشد.

3- اگر قبل از فعال شدن پندینگ اردر فوق، سقف موج C شکسته شود اردر را حذف می نماییم.

قوانین ورود برای خرید: پس از اینکه موج C از یک کارکشن ABC نزولی در یکی از کلاسترهای استاندارد یا ماگزیمم قیمتی و زمانی ایجاد گردید، بر اساس مراحل زیر می توان خرید نمود:

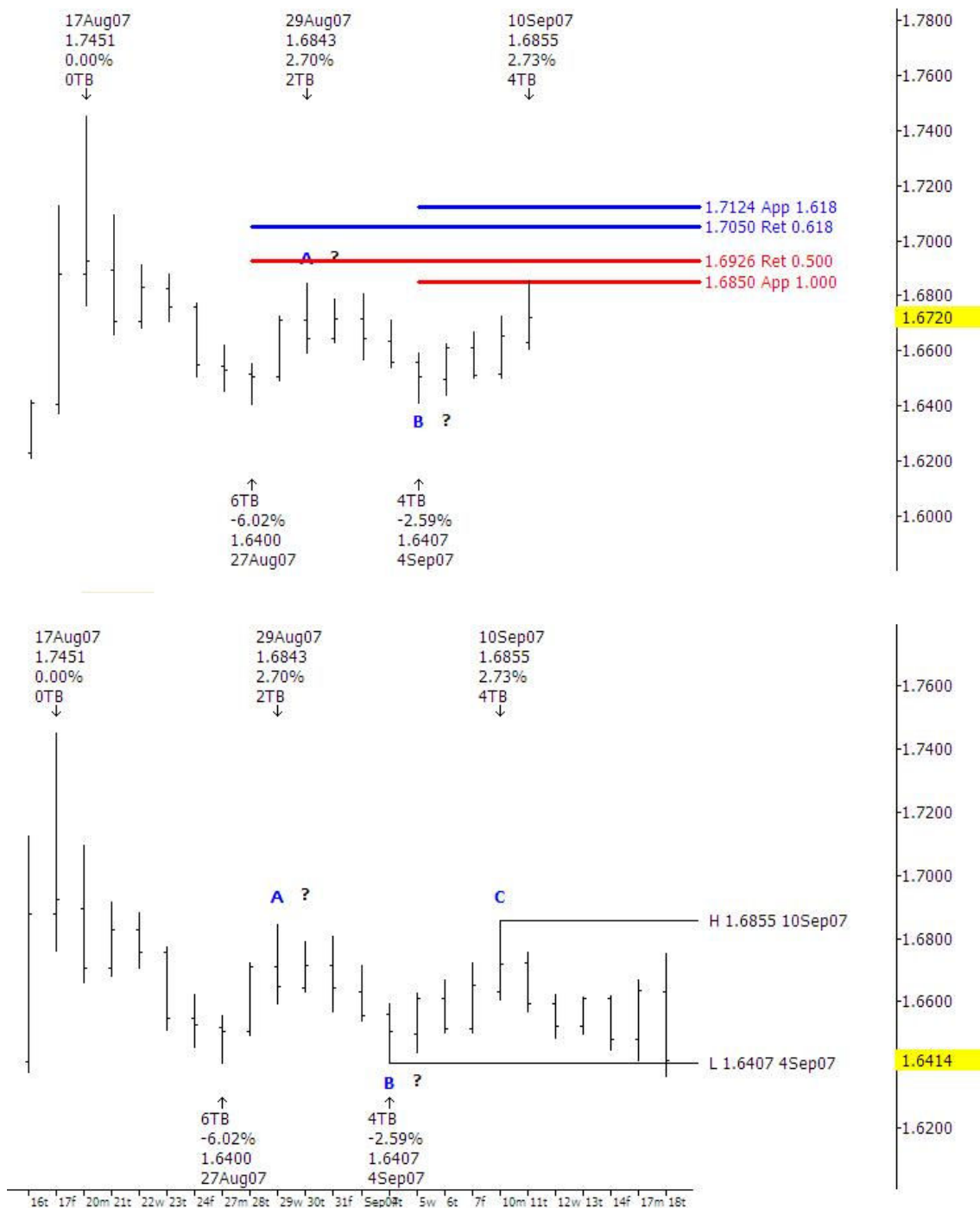
1- با شکست انتها یا همان سقف موج B، پندینگ اردر خود را از جنس خرید 5+اسپرید آن جفت ارز بالاتر از سقف موج B قرار می دهیم.

2- در صورت فعال شدن تریگر، نقطه استاپ اولیه 10 پیپ پایین تر از کف موج C می باشد.

3- اگر قبل از فعال شدن پندینگ اردر فوق، کف موج C شکسته شود اردر را حذف می نماییم.

نکته کلیدی: اگر کلاستر استاندارد و سقف موج C احتمالی شکسته شد همچنان امکان استفاده از این روش در کلاستر ماگزیمم وجود دارد و در نتیجه نیازی به حذف پندینگ اردر نیست.

Mobile No.: 0912 350 49 88



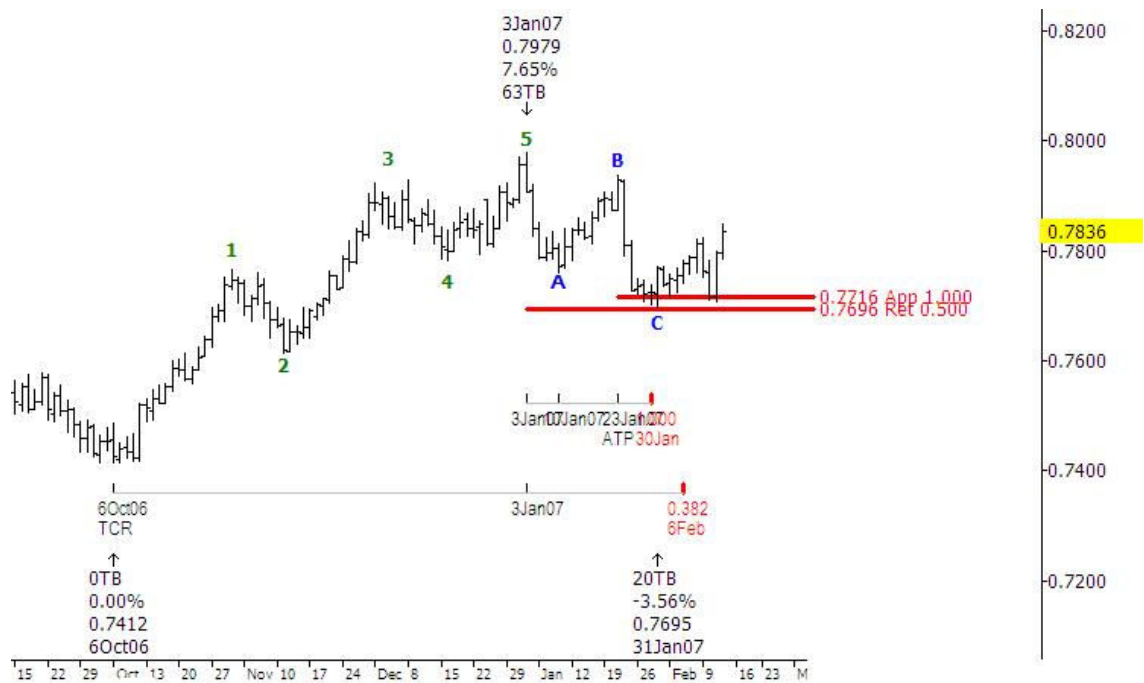
تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

Mobile No.: 0912 350 49 88

نکته کلیدی: در صورتی که انتهای احتمالی موج C علاوه بر کلاستر قیمتی در کلاستر زمانی نیز قرار گرفته باشد، سیگنال ورود به بازار بر اساس روش فوق به مراتب قدرتمند تر می باشد.

نکته کلیدی: توجه نمایید که اتمام احتمالی موج C در کلاستر زمانی یک ضرورت نمی باشد و در بازار فارکس در اغلب اوقات بعد زمان کلاستر های زمانی را به راحتی می شکنند.

کلید طلایی: همواره به یاد داشته باشید که محتمل ترین سیگنال ها نیز به راحتی امکان Fail شدن دارند و شما در ایده آل ترین شرایط تردید نیز می بایستی اصول مدیریت سرمایه را رعایت نمایید.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی ترید شماره دو بر روی کارکشن های ABC

با توجه به آنچه در مورد استراتژی ترید شماره یک گفته شد، علیرغم اینکه این استراتژی بسیار ایده آل و مناسب می باشد با توجه به فاصله انتهای امواج B و C از یکدیگر، استاپ لاس بزرگی را به ما تحمیل می کند که این مورد باعث عدم تمایل اکثر تریدرها به استفاده از این روش است.

سوال مهم: چگونه می توان میزان استاپ لاس را برای این استراتژی کاهش داد؟ این کار از طریق اضافه نمودن دی تی اسیلاتور و استفاده از کندل تریگر میسر می باشد. این استراتژی به استراتژی ترید شماره دو معروف است.

نکته کلیدی: توجه داشته باشید که استفاده از استراتژی دوم جهت کاهش استاپ اولیه باعث کاهش احتمال وقوع موفقیت آمیز سیگنال های ورودی می گردد و به همین دلیل این روش مختص تریدر های حرفه ای تر می باشد.

قوانین ورود برای فروش: پس از اینکه موج C از یک کارکشن ABC صعودی در یکی از کلاسترهای استاندارد یا ماگزیمم قیمتی و زمانی ایجاد گردید، بر اساس مراحل زیر می توان ترید نمود:

- 1- در انتظار Bearish Reversal در اسیلاتور می مانیم تا این اتفاق بیفتد.
- 2- پس از کراس صورت پذیرفته کندل تثبیت شده معادل آن در چارت یا پیدا می کنیم و یک پندینگ اردر از جنس فروش زیر آن قرار می دهیم. نقطه ورود 5 پیپ پایین تر از LOW کندل تریگر می باشد.
- 3- در صورتی که تریگر فعال گردید، نقطه استاپ لاس اولیه +10 اسپرید جفت ازر بالای قله می باشد که ممکن است متعلق به همام کندل تریگر و یا کندل های ما قبل آن باشد.
- 4- اگر قبل از فعال شدن پندینگ اردر فوق، سقف موج C شکسته شود اردر را حذف می نمایم.
- 5- در صورتی که قبل از فعال شدن تریگر دی تی اسیلاتور وارد ناحیه Bear OS شد و یا Bullish Reversal اتفاق افتاد، پندینگ اردر را حذف می نمایم.

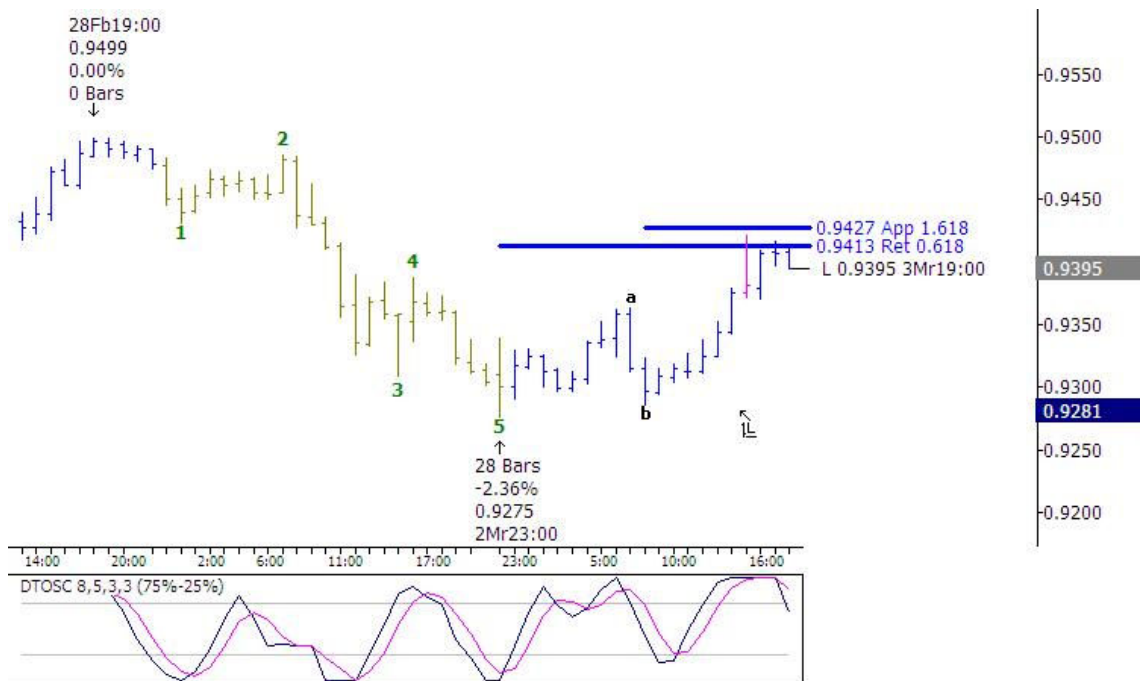
توجه تمایید که قوانین حالت خرید دقیقاً برعکس می باشد.

نکته کلیدی: بعد از اینکه بر اساس استراتژی دوم پندینگ اردر گذاشته شد، اگر با تثبیت کندل جدید پوزیشن فعال نگردید نقطه ورود را به زیر کندل جدید منتقل می نمایم و این کار را تا زمانی ادامه می دهیم که پوزیشن فعال گردد و یا به علت تغییر شرایط دی تی اسیلاتور پندینگ اردر حذف گردد.

نکته کلیدی: انتهای (لو یا های) کندل تریگر بایستی دقیقاً بین دو نسبت اصلی تشکیل دهنده کلاستر استاندارد یا ماگزیمم باشد.

تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

Mobile No.: 0912 350 49 88



در تصویر زیر مقایسه میزان استاپ لاس اولیه را بر اساس هر دو استراتژی مشاهده می کنید:



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی خرید شماره یک بر روی کارکشن های کامپلکس ABCDE

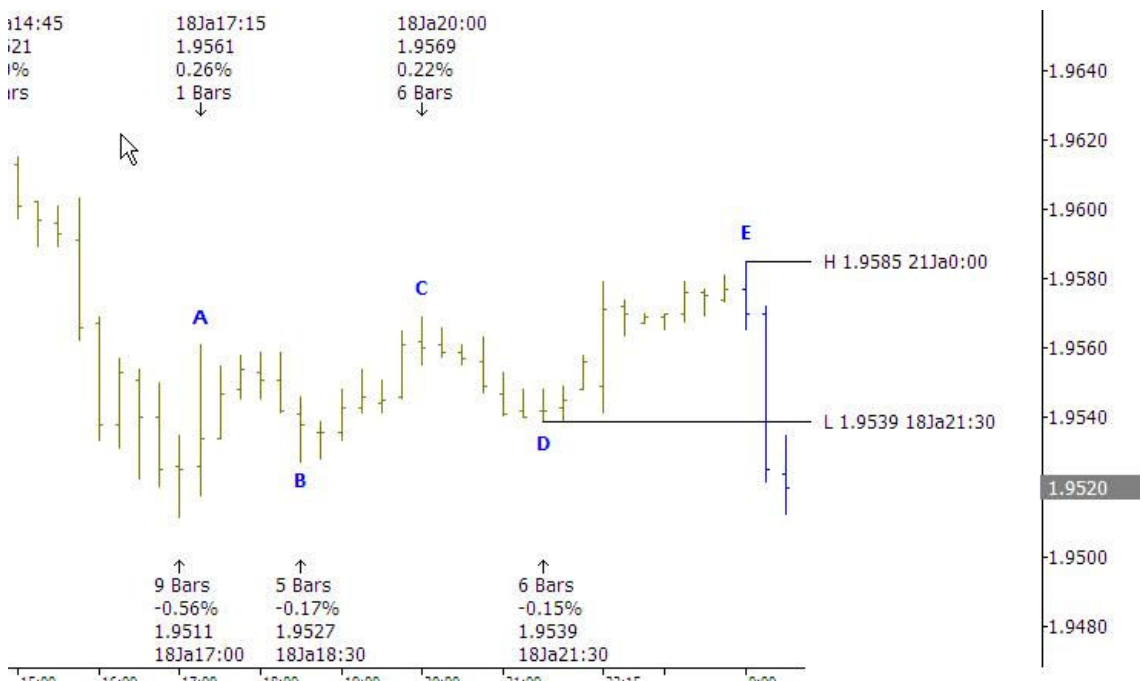
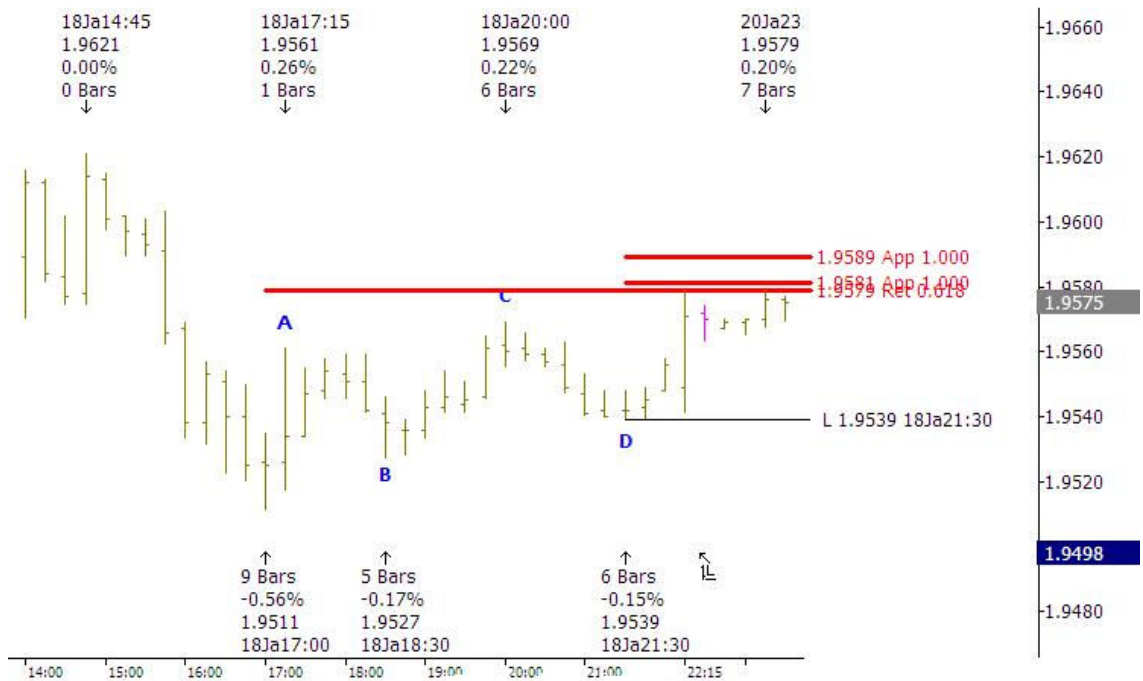
قوانین ورود برای فروش: پس از اینکه موج E از یک کارکشن کامپلکس ABCDE صعودی در یکی از کلاسترهای استاندارد یا ماگزیمم قیمتی ایجاد گردید، بر اساس مراحل زیر می توان خرید نمود:

- 1- با شکست انتها یا همان کف موج D، پندینگ اردر خود را از جنس فروش 5 پیپ پایینتر از کف موج D قرار می دهیم.
- 2- در صورت فعال شدن تریگر، نقطه استاپ اولیه 10+اسپرید آن جفت ارز بالاتر از سقف موج E می باشد.
- 3- اگر قبل از فعال شدن پندینگ اردر فوق، سقف موج E شکسته شود اردر را حذف می نماییم.

قوانین ورود برای خرید: پس از اینکه موج E از یک کارکشن کامپلکس ABCDE نزولی در یکی از کلاسترهای استاندارد یا ماگزیمم قیمتی ایجاد گردید، بر اساس مراحل زیر می توان خرید نمود:

- 1- با شکست انتها یا همان سقف موج D، پندینگ اردر خود را از جنس خرید 5+اسپرید پیپ بالاتر از سقف موج D قرار می دهیم.
- 2- در صورت فعال شدن تریگر، نقطه استاپ اولیه 10 پیپ پایینتر از کف موج E می باشد.
- 3- اگر قبل از فعال شدن پندینگ اردر فوق، کف موج E شکسته شود اردر را حذف می نماییم.

Mobile No.: 0912 350 49 88



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی ترید شماره دو بر روی کارکشن های کامپلکس ABCDE

با توجه به آنچه در مورد استراتژی ترید شماره یک گفته شد، علیرغم اینکه این استراتژی بسیار ایده آل و مناسب می باشد با توجه به فاصله انتهای امواج D و E از یکدیگر، استاپ لاس بزرگی را به ما تحمیل می کند که این مورد باعث عدم تمایل اکثر تریدرها به استفاده از این روش است.

سوال مهم: چگونه می توان میزان استاپ لاس را برای این استراتژی کاهش داد؟ این کار از طریق اضافه نمودن دی تی اسیلاتور و استفاده از کندل تریگر میسر می باشد. این استراتژی به استراتژی ترید شماره دو معروف است.

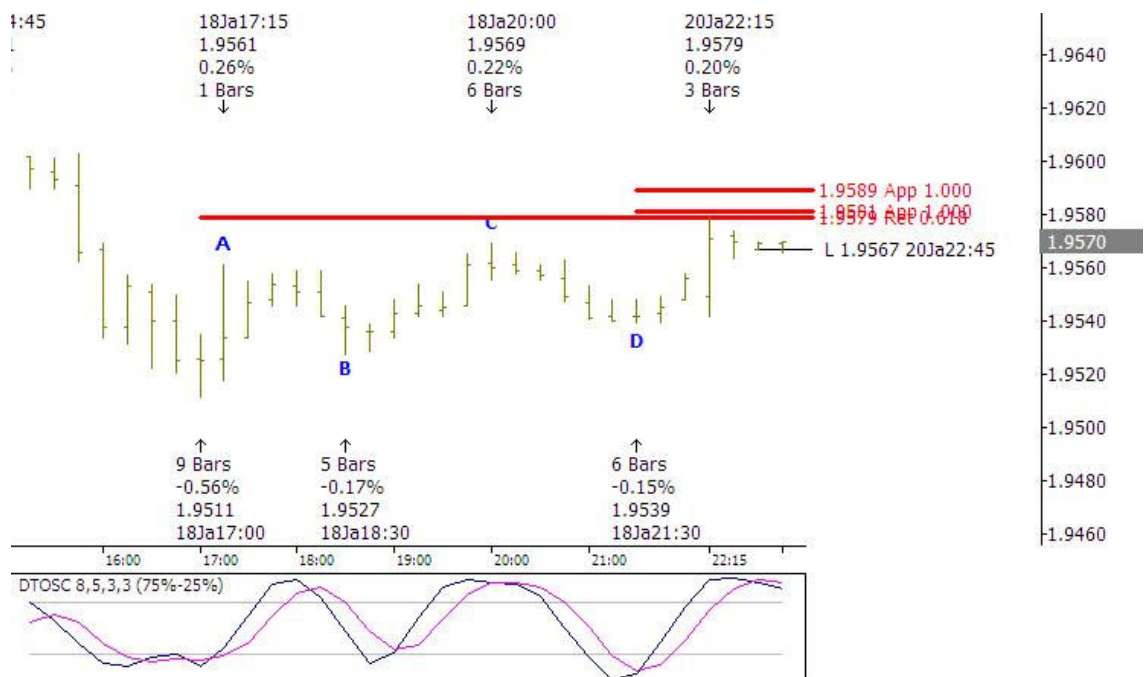
قوانین ورود برای فروش: پس از اینکه موج E از یک کارکشن ABCDE صعودی در یکی از کلاسترهای استاندارد یا ماگزیم قیمتی ایجاد گردید، بر اساس مراحل زیر می توان ترید نمود:

- 1- در انتظار Bearish Reversal در اسیلاتور می مانیم تا این اتفاق بیفتد.
- 2- پس از کراس صورت پذیرفته کندل تثبیت شده معادل آن در چارت یا پیدا می کنیم و یک پندینگ اردر از جنس فروش زیر آن قرار می دهیم. نقطه ورود 5 پیپ پایین تر از LOW کندل تریگر می باشد.
- 3- در صورتی که تریگر فعال گردید، نقطه استاپ لاس اولیه +10 اسپرید جفت ازر بالای قله می باشد که ممکن است متعلق به همام کندل تریگر و یا کندل های ما قبل آن باشد.
- 4- اگر قبل از فعال شدن پندینگ اردر فوق، سقف موج E شکسته شود اردر را حذف می نماییم.
- 5- در صورتی که قبل از فعال شدن تریگر دی تی اسیلاتور وارد ناحیه Bear OS شد و یا Bullish Reversal اتفاق افتاد، پندینگ اردر را حذف می نماییم.

توجه تمایید که قوانین حالت خرید دقیقاً برعکس می باشد.

نکته کلیدی: همانطور که مشاهده کردید نکات و موارد ترید بر روی کارکشن های کامپلکس ABCDE بسیار مشابه نکات و موارد ترید بر روی کاترکشن های ABC می باشد.

Mobile No.: 0912 350 49 88



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی های ترید شماره سه و چهار بر روی کارکشن های ABC یا ABCDE

سوال کلیدی- چگونه می توان احتمال وقوع پوزیشن های موفق را بالا برد؟

جواب کلیدی- بوسیله انجام ترید در جهت ترند تایم فریم بالاتر از خود، این امر میسر می گردد. جهت ترند در تایم فریم بالاتر بر اساس موقعیت دی تی اسیلاتور در این تایم فریم تعیین می گردد.

اگر در تایم فریم بالاتر دی تی اسیلاتور Bullish یا Bear OS باشد در این صورت در تایم فریم ترید فقط مجاز به گرفتن سیگنال های Long یا خرید هستیم.

اگر در تایم فریم بالاتر دی تی اسیلاتور Bearish یا Bull OB باشد در این صورت در تایم فریم ترید فقط مجاز به گرفتن سیگنال های Short یا فروش هستیم.

نکته کلیدی: توجه داشته باشید که در Bull OB و Bear OS حتما باید هر دو خط اسیلاتور در منطقه اشباع قرار گرفته باشند.

کلید طلایی: برای پیدا کردن تایم فریم بالاتر می توان از جدول پیاپی M1- W1- D1- H4- H1- M15- M5 استفاده نمود. از استاد خود بخواهید تا توضیحات بیشتری در این زمینه به شما ارائه بدهد.

استراتژی های شماره سه و چهار: توجه داشته باشید که در استراتژی های شماره سه و چهار عینا همه مراحل همانند دو استراتژی اول و دوم است و فقط فیلتر ترید در جهت تایم فریم بالاتر بر مبنای آنچه گفته شد به استراتژی های قبلی اضافه می گردد.

نکته کلیدی: اگر قبل از فعال شدن تریگر و پندینگ اردر در تایم ترید، موقعیت و یا جهت اسیلاتور در تایم فریم بالاتر تغییر کند می بایستی پندینگ اردر را حذف نماییم.

نکته کلیدی: استفاده از روش دوال تایم فریم گاهی باعث می گردد تا شما موقعیت های ترید خوبی را به دلیل هم جهت نبودن با جهت ترند در تایم فریم بالاتر از دست بدهید، اما توجه داشته باشید که در دراز مدت استفاده از این استراتژی کمک شایانی به شما می کند و باعث اطمینان بیشتر از سود دهی سیستم شما می گردد چرا که با استفاده از ایم روش تعداد زیادی از سیگنال های خطا نیز حذف می گردند.

نکته کلیدی: اگر برای یک سوینگ تریدر در تایم فریم دیلی موقعیت ترید مناسبی شکل گرفت اما در جهت اسیلاتور در تایم فریم بالاتر یا همان تایم فریم هفتگی نبود، یک راه مناسب برای استفاده از چنین موقعیت هایی استفاده از یک تایم فریم کوچک تر (تایم فریم چهار ساعته) به عنوان تایم فریم اصلی ترید است. در چنین حالتی، تایم فریم روزانه عملاً تبدیل به تایم فریم بالاتر می گردد و در نتیجه امکان بهره گیری از پوزیشن فراهم می گردد.

توجه نمایید که استفاده از این روش به دلیل ریسک بالایی که دارد باعث می گردد تا شانس موفقیت سیگنال ها به حداقل برسد و به همین دلیل استفاده از این روش فقط و فقط مختص تریدرهای باتجربه و حرفه ای است.

نکته کلیدی: سعی کنید تا موقعیت دی تی اسیلاتور در تایم فریم بالاتر را بر اساس آخرین کندل تثبیت شده بررسی نمایید نه کندل جاری. به همین دلیل بهترین زمان برای تحلیل های یک سوینگ تریدر، آخر هر هفته می باشد. این موضوع بسیار پر اهمیت بوده و توجه به آخرین وضعیت دی تی بر اساس کندل تثبیت شده نهایی شما را به اشتباه و ورود زود هنگام دچار نمی سازد.

تارگت نیمه اول پوزیشن ترید بر روی کارکشن ها

توجه داشته باشید که هدف قیمتی نیمه اول پوزیشن ترید بر روی کارکشن ها، باید از همان ابتدا و قبل از فعال شدن پندینگ اردر معین باشد. به عبارتی ساده تر همانطور که برای ثبت یک پندینگ اردر نقطه ورود و نقطه استاپ اولیه ضروری می باشد تعیین نقطه تارگت اولیه هم ضروری است.

در حالت ایده آل، نیمه اول پوزیشن باید دارای نسبت ریسک به ریوارد یا Risk/Reward بالای 1/1 باشد.

نکته کلیدی: تارگت نیمه اول پوزیشن بر اساس سبک ترید تعیین می گردد.

تارگت نیمه اول برای تریدرها با روش ورود مطمین:

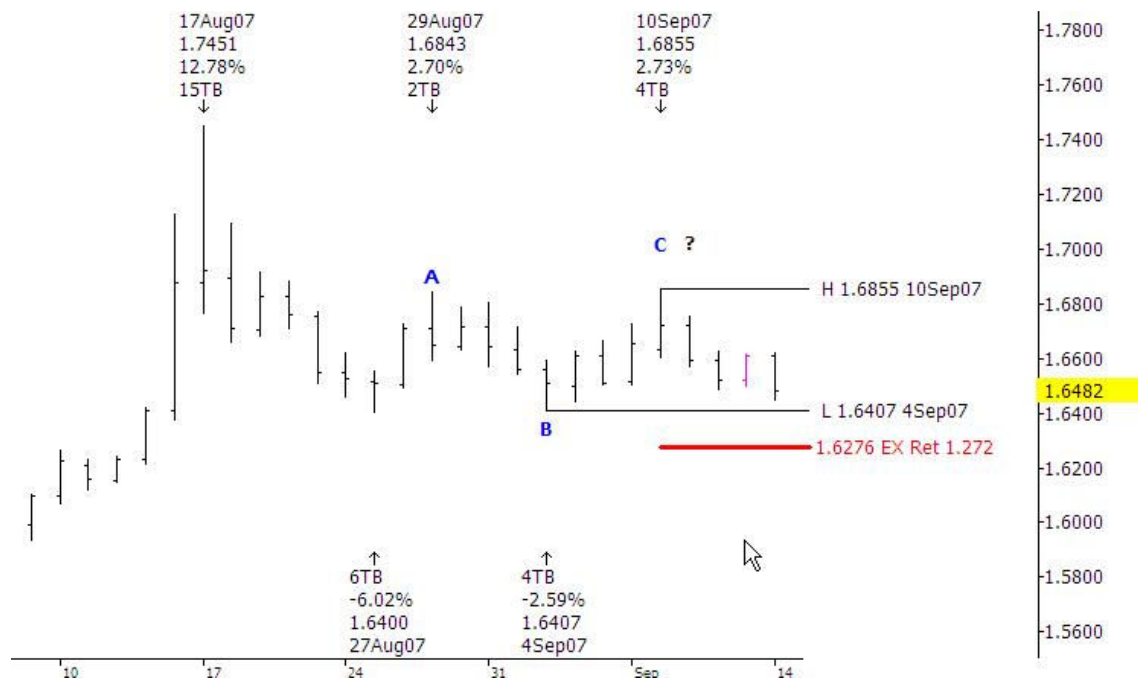
تریدرهایی که از روش ورود بر اساس شکست Swing Low & High یا همان روش Break Out استفاده می کنند، معمولا تارگت اولیه آنها نسبت 127 درصد فیبوناچی اکستنشن کل کارکشن می باشد به شرطی که این نسبت شرط ریسک به ریوارد حداقل 1/1 را برای پوزیشن تامین نماید.

نکته کلیدی: در صورتی که نسبت 127 درصد شرط لازم را برای حداقل نسبت ریسک به ریوارد دارا نباشد، از نسبت 162 درصد فیبوناچی اکستنشن کل کارکشن به عنوان تارگت نیمه اول پوزیشن استفاده می نمایم.

نکته کلیدی: تحت هر شرایطی حتی اگر با استفاده از نسبت 162 درصد نیز، نسبت ایده آل یک به یک قابل دست یافتن نباشد، می بایستی تارگت نیمه اول پوزیشن را حداکثر بر روی این نسبت قرار دهیم.

Mobile No.: 0912 350 49 88

در مثال زیر حتی نسبت 162 درصد اکستنشن کل کارکشن، دارای ریسک به ریوارد کمتر از 1/1 بوده است.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

تارگت نیمه اول برای تریدرها با روش ورود سریع:

تریدرهایی که از روش ورود بر اساس وقوع ریورسال در دی تی اسیلاتور استفاده می کنند، معمولاً تارگت اولیه آنها نسبت 50 درصد فیبوناچی ریتریسمنت موج انتهای کارکشن (موج C یا E) می باشد به شرطی که این نسبت شرط ریسک به ریوارد حداقل 1/1 را برای پوزیشن تامین نماید.

نکته کلیدی: در صورتی که نسبت 50 درصد فیبوناچی ریتریسمنت، شرط لازم را برای حداقل نسبت ریسک به ریوارد دارا نباشد، از نسبت 62 درصد فیبوناچی ریتریسمنت موج انتهای کارکشن به عنوان تارگت نیمه اول پوزیشن استفاده خواهیم کرد.

نکته کلیدی: در صورتی که نسبت 62 درصد فیبوناچی ریتریسمنت، نیز شرط لازم را برای حداقل نسبت ریسک به ریوارد دارا نباشد، از نسبت 79 درصد فیبوناچی ریتریسمنت موج انتهای کارکشن به عنوان تارگت نیمه اول پوزیشن استفاده خواهیم کرد.

نکته کلیدی: تحت هر شرایطی حتی اگر با استفاده از نسبت 79 درصد نیز، نسبت ایده آل یک به یک قابل دست یافتن نباشد، می بایستی تارگت نیمه اول پوزیشن را حداکثر بر روی این نسبت قرار دهیم.

کلید طلایی: به عنوان یک تریدر همیشه در نظر داشته باشید که استفاده از تارگت اول با نسبت حداقل ریسک به ریوارد یک به یک عملاً باعث می شود تا کل پوزیشن شما (نیمه اول و دوم) ریسک فری شود و حتی در صورت باطل شدن تحلیل ضرری متوجه شما نگردد. به همین دلیل استفاده از پوزیشن های دو نیمه ای، به عنوان یک اصل مهم، همواره پیشنهاد می گردد.

استراتژی تریلینگ استاپ برای نیمه دوم پوزیشن برای ترید با روش ورود مطمئن

این استراتژی مخصوص تریدرهایی می باشد که از روش برک اوت یا روش شکست Swing Low & High برای ورود به بازار استفاده می کنند. این گروه تارگت معینی برای نیمه دوم پوزیشن نداشته و خروج آنها از بازار بر اساس روش تریلینگ می باشد. مراحل کلی کار به شرح زیر است:

- 1- ابتدا باید صبر نماییم تا قیمت به تارگت نیمه اول برسد. با رسیدن قیمت به تارگت اول می توان نیمه اول پوزیشن را دقیقاً روی تارگت اولیه بست و یا اینکه از استراتژی کندل تریلینگ استفاده نمود.
- 2- زمانی که روند قیمت به تارگت اولیه می رسد شما می توانید تریلینگ استاپ را برای نیمه دوم پوزیشن آغاز نمایید.
- 3- روش کار به این صورت است که همانند روش استراتژی خروج به سبک شکست Swing High & Low عمل می کنیم، یعنی با تثبیت هر سویینگ فرعی (حداکثر از یک درجه پایینتر) استاپ را به زیر آن سویینگ منتقل می نماییم.
- 4- این کار را آتقدر ادامه می دهیم تا نهایتاً از بازار خارج شویم.

نکته کلیدی: با رسیدن به تارگت اول شما می توانید از آخرین سویینگ تشکیل شده قبلی برای تریلینگ نیمه دوم استفاده کنید و نیازی نیست تا الزاماً منتظر تشکیل سویینگ جدید باشید.

نکته کلیدی: استفاده از این روش باعث می گردد تا در صورتی که قیمت در جهت پیش بینی شما جلو رفت امکان بهره وری بیشتری از بازار پدید آید.

نکته کلیدی: همانطور که مشاهده می کنید استفاده از تارگت های اول و دوم در اکثر اوقات سبب می گردد که حتی با ابطال تحلیل شما از بازار سود بگیرید.

در مثال زیر مشاهده می کنید که با رسیدن قیمت به تارگت اول شروع به استفاده از استراتژی تریلینگ استاپ با تثبیت هر سویینگ فرعی می کنیم.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

تارگت نیمه دوم پوزیشن ترید بر روی کارکشن ها با روش ورود سریع

توجه داشته باشید که هدف قیمتی نیمه دوم پوزیشن ترید بر روی کارکشن ها با روش ورود سریع بر اساس دی تی اسلاتور، باید از همان ابتدا و قبل از فعال شدن پندینگ اردر معین باشد. به عبارتی ساده تر همانطور که برای ثبت یک پندینگ اردر نقطه ورود و نقطه استاپ اولیه ضروری می باشد تعیین نقطه تارگت ثانویه برای این سبک ترید هم ضروری است.

در حالت ایده آل، نیمه دوم پوزیشن باید دارای نسبت ریسک به ریوارد یا Risk/Reward بالای 1/3 باشد.

تارگت نیمه دوم برای تریدرها با روش ورود سریع:

تریدرهایی که از روش ورود بر اساس دی تی اسلاتور استفاده می کنند، معمولا تارگت ثانویه آنها نسبت 127 درصد فیوناچی اکستنشن کل کارکشن می باشد به شرطی که این نسبت شرط ریسک به ریوارد حداقل 1/3 را برای پوزیشن تامین نماید.

نکته کلیدی: در صورتی که نسبت 127 درصد شرط لازم را برای حداقل نسبت ریسک به ریوارد دارا نباشد، از نسبت 162 درصد فیوناچی اکستنشن کل کارکشن به عنوان تارگت نیمه دوم پوزیشن استفاده می نماییم.

نکته کلیدی: تحت هر شرایطی حتی اگر با استفاده از نسبت 162 درصد نیز، نسبت ایده آل سه به یک قابل دست یافتن نباشد، می بایستی تارگت نیمه دوم پوزیشن را حداکثر بر روی این نسبت قرار دهیم.

نکته کلیدی: اگر پوزیشن دارای بیش از دو نیمه باشد، برای شناسایی سایر تارگت ها از روش تریلینگ استاپ به سبک شکست Swing High & Low استفاده می کنیم.

با رسیدن قیمت به تارگت دوم می توانید پوزیشن را ببندید و یا از روش استاپ کندل تریلینگ استفاده نمایید.

Mobile No.: 0912 350 49 88



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی تریلینگ استاپ برای نیمه دوم پوزیشن برای ترید با روش ورود سریع

همانطور که دیدید در روش ورود سریع بر اساس اسیلاتور تارگت نیمه دوم نیز همانند نیمه اول از پیش تعیین شده است. زمانی که تارگت نیمه اول زده شد تا رسیدن به تارگت دوم شما می بایستی از استراتژی تریلینگ بر اساس شکست Swing High & Low استفاده نمایید و با تثبیت هر سویینگ فرعی استاپ را به زیر آن منتقل نمایید.

نکته کلیدی: با رسیدن به تارگت دوم به جای بستن پوزیشن، می توان از روش کندل تریلینگ استاپ استفاده نمود.

نکته کلیدی: توجه داشته باشید که تا زمانی که تارگت اولیه زده نشده است اجازه جابجایی استاپ ها را برای هیچ کدام از دو نیمه پوزیشن نداریم.

با توجه به نکاتی که اشاره شد، مراحل تریلینگ استاپ به شرح زیر می باشد:

- 1- تا قبل از رسیدن قیمت به تارگت اول، استاپ پوزیشن ها، همان استاپ اولیه می باشد.
- 2- زمانی که قیمت به تارگت اولیه رسید، نیمه اول پوزیشن را بر اساس استراتژی کندل استاپ تریلینگ و نیمه دوم پوزیشن را بر اساس استراتژی سویینگ تریلینگ، تریل می کنیم.
- 3- با رسیدن قیمت به تارگت ثانویه، نیمه دوم پوزیشن را نیز بر اساس استراتژی کندل استاپ تریلینگ، تریل می کنیم.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

راهنما و سناریو های موج 5

امواج ایمپالس معمولاً به صورت پنج موجی هستند.

ترندها (ترند ها و کانتر ترندها) اغلب با یک ساختار 5 موجی به اتمام می رسند.

نکته کلیدی: در کارکشن ABC موج های A و C دارای ساختاری 5 موجی هستند که در این میان موج C اهمیت کلیدی دارد. در کارکشن های ABCDE موج های A و C و E دارای ساختاری 5 موجی هستند که در این میان موج E اهمیت کلیدی دارد.

تارگت قیمتی معمول برای یک موج 5 نسبت های فیبوناچی اکستنشن 127 و 162 موج 4 می باشد.

نکته کلیدی: یک موج 5 زمانی تثبیت می گردد که انتهای موج 4 شکسته شود (روش برک اوت).

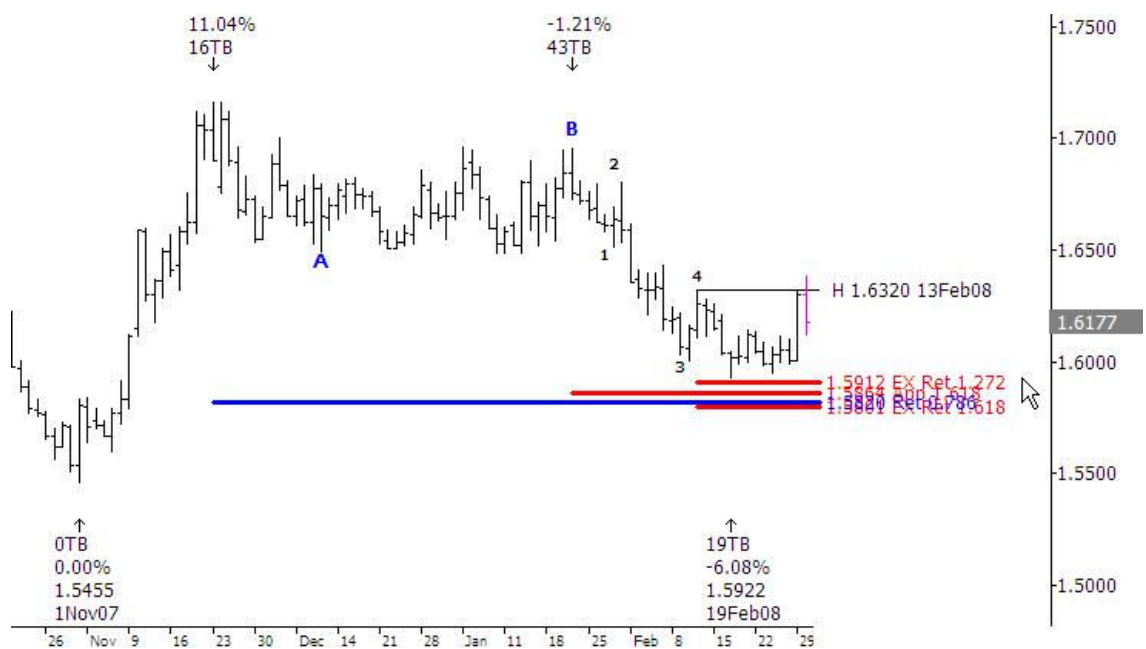
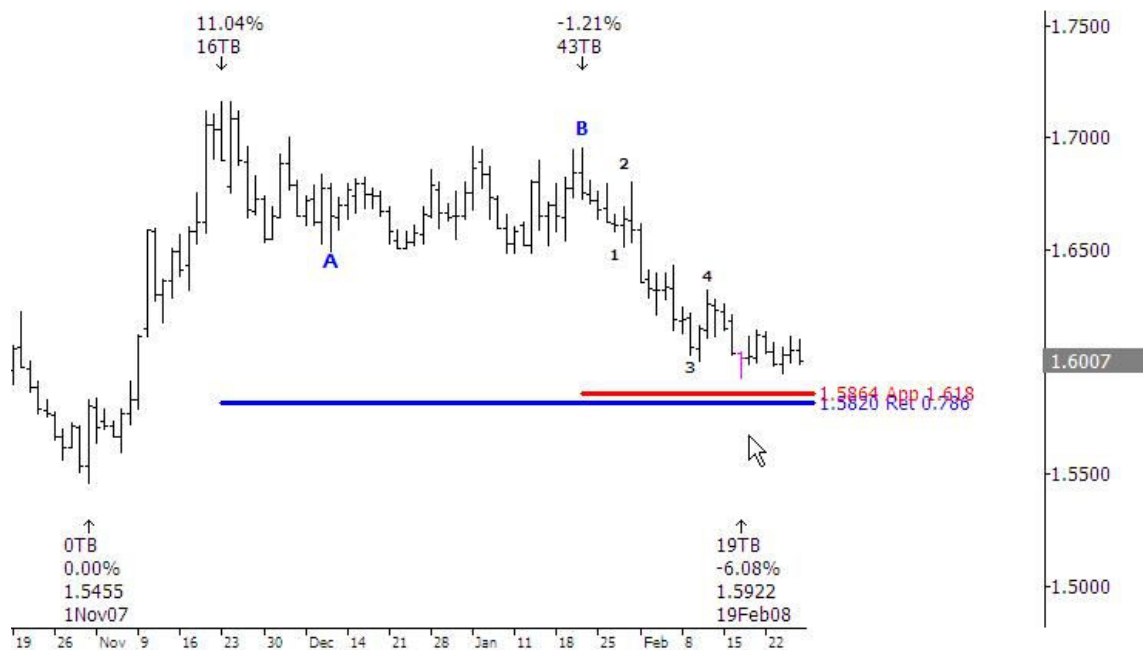
نکته کلیدی: با تثبیت ریز موج 5 از C یا E عملاً نشانه قدرتمندی از اتمام کارکشن در دست داریم.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

Mobile No.: 0912 350 49 88

در تصویر برای تدقیق بیشتر در کلاستر انتهای کارکشن، کلاستر ریز موج 5 از C نیز به چارت اضافه شده است. زمانی که انتهای موج 4 شکسته می شود نشانه قدرتمندی از اتمام کل کارکشن می باشد.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

ترید در انتهای ترندهای 5 موجی (پترن های غیر کارکشن)

در اینجا منظور از ترید بر روی امواج 5 موجی، ترند ها می باشد نه کانتر ترندهای کامپلکس.

ترید در انتهای سیکل های پنج موجی فقط مختص تریدهای بسیار حرفه ای می باشد چرا که این تریدها از احتمال وقوع پایبندی برخوردار هستند.

سوال کلیدی: سوالی که مطرح می شود این است که اگر احتمال وقوع موفقیت آمیز این ترید ها پایین است پس به چه دلیل بر روی آنها ترید می کنیم؟

جواب: در جواب سوال فوق باید گفت که دلیل اصلی این کار این است که بعضا در استفاده از این روش سودهایی بسیار مطلوب با ریسک به ریوارد بسیار ایده آل نصیب یک تریدر می گردد.

استراتژی ترید شماره یک بر روی ترند های 5 موجی

قوانین ورود برای فروش: بعد از اینکه یک ترند 5 موجی تکمیل گردید، در صورتی که انتهای موج 5 در کلاستر استاندارد به پایان برسد (127-162 فیوناچی اکستنشن موج 4) به ترتیب مراحل زیر عمل می کنیم:

- 1- ابتدا می بایستی در انتظار Bearish Reversal باشیم و پس از اینکه ریزسال اتفاق افتاد بر اساس کندل تریگر و معادل بر روی چارت پندینگ اردر خود را 5 پیپ پایینتر از low کندل تریگر قرار می دهیم.
- 2- در صورت فعال شدن تریگر، استاپ لاس اولیه +10 اسپرید جفت ارز پیپ بالای قله یا همان انتهای موج پنج می باشد.
- 3- در صورتی که قبل از فعال شدن تریگر سقف جدیدی تشکیل گردد و یا اینکه Bullish Reversal اتفاق بیفتد پندینگ اردر مذکور را حذف می نمایم.

توجه نمایید که قوانین برای خرید عکس حالت فوق می باشد.

نکته کلیدی: مجددا یادآوری می گردد که احتمال استاپ خوردن این ترید ها بالا می باشد و فقط تریدهای حرفه ای می بایستی از آن استفاده نمایند.

نکته کلیدی: انتهای موج 5 در استراتژی اول می بایستی حتما در کلاستر فیما بین نسبت های 127 و 162 فیوناچی اکستنشن موج 4 باشد.

به سود بسیار بالای سیگنال زیر در مقابل استاپ لاس کوچک آن توجه نمایید. این همان دلیلی است که باعث می گردد بر روی این سبک ترید با احتمال وقوع کمتر، ریسک نماییم.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

استراتژی ترید شماره دو بر روی ترند های 5 موجی

قوانین ورود برای فروش: بعد از اینکه سقف موج 3 شکسته شد، در صورتی که کف سویینگ فرعی از یک درجه پایینتر شکسته شود به دی تی اسیلاتور نگام می کنیم. برای اینکه بتوانیم در این نقطه وارد پوزیشن فروش شویم وضعیت دی تی اسیلاتور بایستی Bearish یا Bull OB باشد. استاپ در این حالت چند پیپ (ده بعلاوه اسپرید) بالاتر از انتهای موج 5 می باشد.

قوانین ورود برای خرید: بعد از اینکه کف موج 3 شکسته شد، در صورتی که سقف سویینگ فرعی از یک درجه پایینتر شکسته شود به دی تی اسیلاتور نگام می کنیم. برای اینکه بتوانیم در این نقطه وارد پوزیشن خرید شویم وضعیت دی تی اسیلاتور بایستی Bullish یا Bear OS باشد. استاپ در این حالت چند پیپ (ده پیپ) پایین تر از انتهای موج 5 می باشد.

نکته کلیدی: در این روش نیازی نیست که موج 5 حتما در کلاستر استاندارد تشکیل گردد، اما اگر چنین اتفاقی نیز بیفتد عملا باعث تقویت سیگنال های ارسالی بوسیله این روش می گردد.

نکته کلیدی: توجه نمایید که استراتژی شماره دو نسبت به استراتژی شماره یک از احتمال وقوع بالاتری برخوردار است و این احتمال به مراتب قوی تر نیز می گردد زمانی که در کلاستر استاندارد قرار گرفته باشد.

نکته کلیدی: با توجه به اینکه ترید بر روی انتهای ترندهای 5 موجی بسیار پر ریسک می باشد، فقط زمانی از این سبک استفاده نمایید که همجهت با جهت خطوط دی تی اسیلاتور در تایم فریم بالاتر باشد. پس فقط زمانی اجازه گرفتن پوزیشن خرید داریم که در تایم فریم بالاتر دی تی اسیلاتور Bullish و یا Bear OS باشد و زمانی اجازه گرفتن پوزیشن فروش داریم که در تایم فریم بالاتر دی تی اسیلاتور Bearish و یا Bull OB باشد.

ترید بر روی کارکشن ها با ساختار موج انتهایی (C یا E) 5 موجی

در اغلب موارد موج انتهایی از کارکشن ها دارای ساختاری 5 موج می باشد. زمانی که این ساختار به وضوح در موج آخر کارکشن ها اتفاق می افتد این فرصت بسیار ایده آل و مناسبی برای کم کردن استاپ اولیه و ورود سریع تر به پوزیشن می باشد.

استراتژی ترید شماره یک بر روی کارکشن ها با ساختار موج انتهایی 5 موجی

قوانین ورود برای فروش:

- 1- زمانی که در آخرین موج کارکشن یک ساختار 5 موجی ملاحظه کردید، کلاستر استاندارد انتهای ریز موج 5 را ترسیم نمایید.
- 2- در صورتی که نسبت های انتهای ریز موج 5 نزدیک به کلاستر های اصلی انتهای کارکشن بیفتند و با آنها همپوشانی داشته باشد، این کلاستر، کلاستری قدرتمند و محتمل برای بازگشت روند به حساب می آید.
- 3- با رسیدن قیمت به این کلاستر، پندینگ اردر خود را به سبک Break Out بر اساس شکست ریز موج 4 از موج انتهایی کارکشن قرار می دهیم. در پوزیشن فروش، زمانی که ریز موج 5 کف و یا انتهای ریز موج 4 را می شکند و وضعیت اسیلاتور در زمان فعال شدن پوزیشن Bearish یا Bull OB باشد، نقطه ورود مناسبی جهت ورود به پوزیشن می باشد.
- 4- استاپ لاس اولیه ده بعلاوه اسپرید بالای قله می باشد.
- 5- در صورتی که قبل از فعال شدن پندینگ اردر، سقف جدیدی شکل گیرد یا جهت خطوط دی تی اسیلاتور عوض شود پندینگ اردر خود را حذف می کنیم.

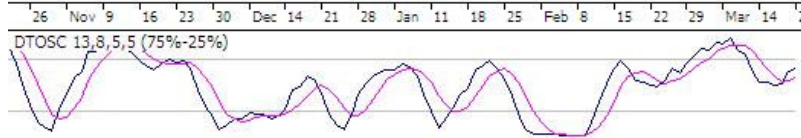
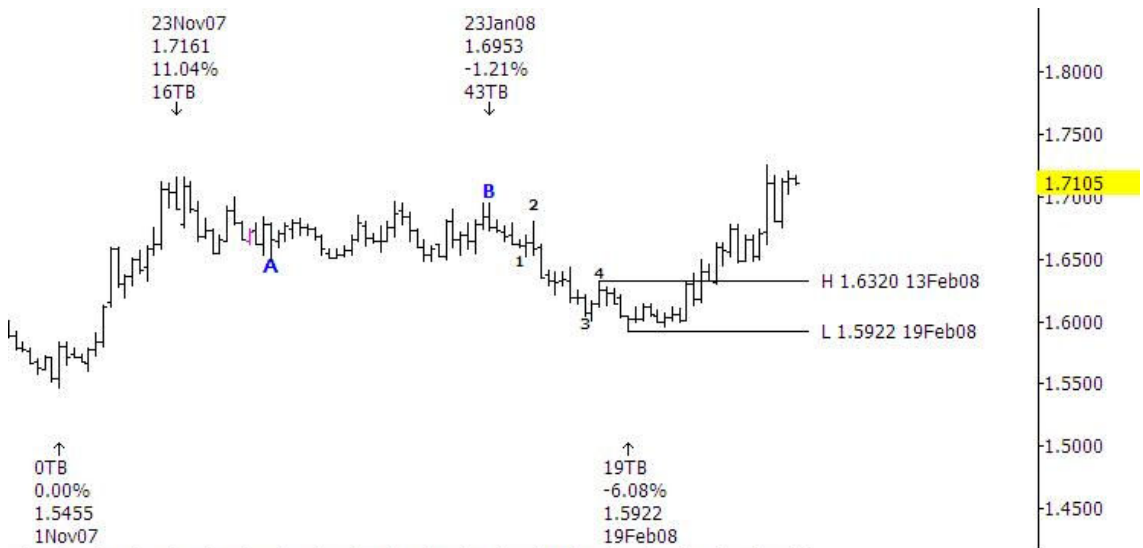
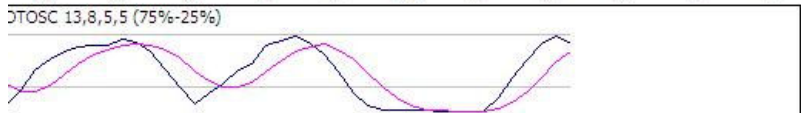
نکته کلیدی: قوانین خرید کاملا برعکس می باشد.

نکته کلیدی: تریدر های حرفه ای تر می توانند زمانی که انتهای ریز موج 5 از موج انتهایی کارکشن دقیقا در کلاستر استاندارد ریز موج 5 شکل بگیرد مشروط به اینکه در دی تی اسیلاتور شرایط مناسبی داشته باشند، به جای استفاده از روش برک اوت ریز موج 4، بر اساس روش سریع و کندل تریگر وارد بازار شوند.

نکته کلیدی: اگر نسبت های 127 و 162 ریز موج 5 از موج انتهایی کارکشن با نسبت های دیفالت انتهای کارکشن شامل تکنیک های ریتزیسمنت و پروجکشن همپوشانی نداشته باشد، در این صورت ریسک ترید بر روی کلاستر ریز موج 5 بسیار زیاد می باشد و فقط تریدر های فوق حرفه ای مجاز به استفاده از این روش هستند.

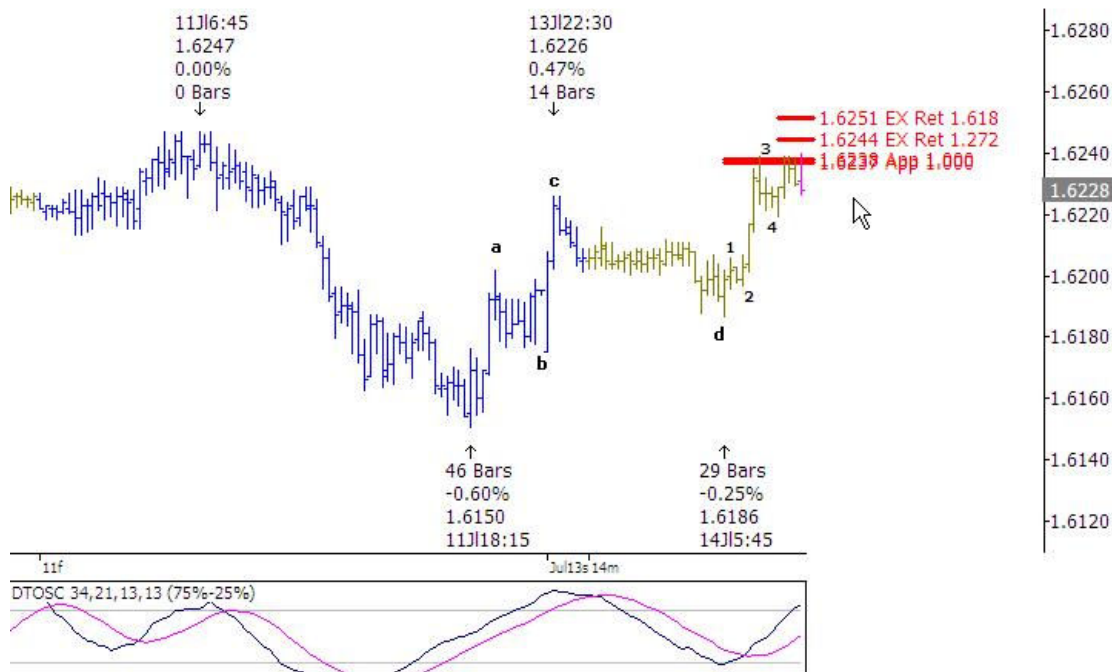
تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

در تصویر زیر کلاستر ریز موج 5 از موج C با کلاستر متداول برای انتهای کارکشن همپوشانی دارد.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

در تصویر زیر کلاستر ریز موج 5 از موج C با کلاستر متداول برای انتهای کارکشن همپوشانی ندارد.



با توجه به مطالب اشاره شده سه نوع ترید در این سبک داریم:

1- اگر کلاستر ریز موج 5 از موج انتهایی کارکشن با کلاستر انتهای کارکشن همپوشانی نداشته باشد اما قیمت در کلاستر موج 5 به اتمام برسد، با رسیدن قیمت به این کلاستر، بر اساس روش شکست ریز موج 4 یا Minor Swing Low & High وارد بازار می شویم. در نقطه ورود شرایط دی تی اسیلاتور می بایستی دارای جهت مناسب باشد.

2- اگر کلاستر ریز موج 5 از موج انتهایی کارکشن با کلاستر انتهای کارکشن همپوشانی داشته باشد، و روند قیمت موج انتهایی کارکشن را دقیقاً در کلاستر ریز موج 5 از موج انتهایی کارکشن به اتمام برساند می توان با ورود قیمت به این کلاستر و فرم مناسب کندلی، بر اساس روش تریگر کندلی وارد بازار شد. این روش دارای ریسک بالاتری نسبت به روش اول می باشد.

3- در صورتی که انتهای موج انتهایی کارکشن در کلاستر ریز موج 5 شکل نگیرد، می بایستی بر اساس روش شکست ریز موج 4 یا Minor Swing Low & High وارد بازار می شویم. در نقطه ورود شرایط دی تی اسیلاتور می بایستی دارای جهت مناسب باشد. این روش به دلیل ریسک بالا، مختص تریدر های حرفه ای می باشد

تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

تارگت نیمه اول برای ترید در انتهای ترند های 5 موجی

با توجه به اینکه در تارگت نیمه اول پوزیشن به دنبال حداقل نسبت ریسک به ریوارد 1/1 هستیم، تارگت نیمه اول پوزیشن یکی از نسبت های 50، 62 یا 79 از ریتریسمنت موج 5 از سیکل 5 موجی می باشد.

توجه داشته باشید که دلیل اصلی اینکه از نسبت های فیبوناچی ریتریسمنت موج آخر استفاده می کنیم این است که این نسبت ها، خطوط مقاومتی و حمایتی قدرتمندی هستند.

نکته کلیدی: در صورتی که نسبت 50 درصد فیبوناچی ریتریسمنت موج 5، شرط لازم را برای حداقل نسبت ریسک به ریوارد دارا نباشد، از نسبت 62 درصد فیبوناچی ریتریسمنت موج انتهای ترند یا موج 5 به عنوان تارگت نیمه اول پوزیشن استفاده خواهیم کرد.

نکته کلیدی: در صورتی که نسبت 62 درصد فیبوناچی ریتریسمنت موج 5، نیز شرط لازم را برای حداقل نسبت ریسک به ریوارد دارا نباشد، از نسبت 79 درصد فیبوناچی ریتریسمنت موج انتهای ترند یا موج 5 به عنوان تارگت نیمه اول پوزیشن استفاده خواهیم کرد.

نکته کلیدی: در صورتی که نسبت 79 درصد فیبوناچی ریتریسمنت موج 5، نیز شرط لازم را برای حداقل نسبت ریسک به ریوارد دارا نباشد، به ترتیب از نسبت های 50، 62 یا 79 درصد فیبوناچی ریتریسمنت کل سیکل 5 موجی، به عنوان تارگت نیمه اول پوزیشن استفاده خواهیم کرد تا زمانی که به نسبت حداقل یک به یک برای ریسک به ریوارد دست پیدا کنیم.

تارگت نیمه دوم برای ترید در انتهای ترند های 5 موجی

در صورتی که تارگت اول نسبتی از ریتریسمنت موج 5 باشد، تارگت نیمه دوم به ترتیب یکی از نسبت های فیبوناچی ریتریسمنت 50، 62 یا 79 از کل سیکل 5 موجی می باشد که حداقل دارای نسبت ریسک به ریوارد یک به سه باشد.

در صورتی که تارگت اول نسبتی از ریتریسمنت سیکل 5 موجی باشد، تارگت نیمه دوم به ترتیب یکی از نسبت های فیبوناچی اکستنشن 127 یا 162 کل سیکل 5 موجی می باشد که حداقل دارای نسبت ریسک به ریوارد یک به سه باشد.

توجه نمایید که دلیل استفاده از نسبت های 127 و 162 این است که بعد از نسبت های مهم ریتریسمنت، این نسبت ها مهمترین نسبت هایی هستند که باعث پدیدار شدن خطوط حمایتی و مقاومتی می شوند.

نکته کلیدی: با توجه به شرایطی که برای تارگت های نیمه اول و دوم پوزیشن گفته شد به این نکته مهم توجه داشته باشید که تحت هر شرایطی تارگت نیمه اول حداکثر نسبت 79 درصد سیکل 5 موجی و تارگت نیمه دوم حداکثر نسبت 162 درصد اکستنشن سیکل 5 موجی است حتی اگر نسبت های 1/1 و 3/1 برای نیمه اول و دوم پوزیشن تأمین نگردد.

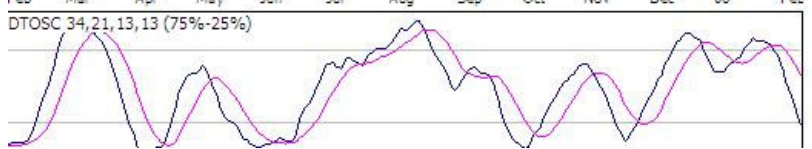
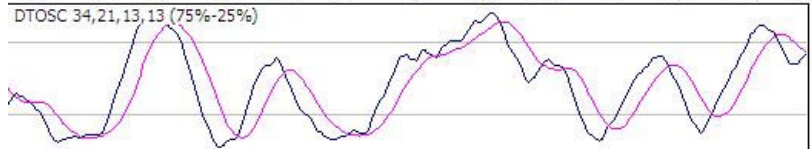
Mobile No.: 0912 350 49 88

در مثال زیر یک سیکل پنج موجی نزولی به امام رسیده و می توان در انتهای این سیکل ترید نمود. تارگت های اول و دوم به ترتیب در اسلاید های بعدی مشخص شده اند.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

Mobile No.: 0912 350 49 88



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

تارگت نیمه سوم برای ترید در انتهای ترند های 5 موجی

همانطور که قبلا نیز گفته شد در سبک الیوت ماینر برای شناسایی تارگت ها، از سطوح مقاومتی و حمایتی که بر اساس پیاده سازی تکنیک ها و نسبت های فیبوناچی ایجاد می شوند استفاده می نمایم.

در صورتی که تارگت نیمه اول نسبتی از فیبوناچی رتریسمنت موج 5 باشد و تارگت نیمه دوم نسبتی از فیبوناچی رتریسمنت سیکل پنج موجی باشد، در این صورت تارگت نیمه سوم نسبت فیبوناچی اکستنشن 127 سیکل پنج موجی می باشد.

در صورتی که تارگت نیمه اول نسبتی از فیبوناچی رتریسمنت کل سیکل 5 موجی باشد و تارگت نیمه دوم نسبتی از فیبوناچی اکستنشن کل سیکل پنج موجی باشد، در این صورت تارگت نیمه سوم اولین سطح مقاومتی بعدی خواهد بود که بر اساس پیاده سازی تکنیک های مختلف فیبوناچی کلاستر آن تشکیل می گردد.

نکته کلیدی: با توجه به اینکه پس از رسیدن به تارگت اول از استراتژی های گوناگون استاپ تریلینگ برای سایر نیمه ها استفاده می کنیم، رسیدن به تارگت های دوم و سوم ارتباط مستقیم با نوع تریلینگ دارد که مورد استفاده قرار می گیرد.

نکته کلیدی: شما می توانید از تارگت های چهارم، پنجم و ... نیز استفاده نمایید که نحوه شناسایی آنها نیز بر اساس پیاده سازی تکنیک های مختلف فیبوناچی بر روی سویینگ های گوناگون و ایجاد کلاستر های محتمل می باشد.

در تصویر زیر تارگت های اول، دوم و سوم به ترتیب معین شده است.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

سیستم هرمی

منظور از سیستم هرمی، اضافه نمودن پوزیشن به پوزیشن باز جاری می باشد. از این تکنیک به منظور افزایش حجم معاملات در بازار فارکس استفاده می کنیم.

در صورتی که شما در یک جفت ارز پوزیشن بازی دارید که نتیجه آن هنوز معین نگردیده است و مجددا بر اساس روش استراتژی شما شرایط برای گرفتن پوزیشن مجدد بر روی همان جفت ارز ایجاد گردد، می توانید تا زمانی که قوانین مدیریت سرمایه و حداکثر ریسک مجاز پوزیشن های همزمان، به شما اجازه دهند نسبت به افزایش حجم معاملات بوسیله گذاشتن پندینگ اردر جدید اقدام نمایید.

نکته کلیدی: توجه نمایید که سیستم های هرمی فقط می بایستی توسط تریدر های حرفه ای و پر تجربه مورد استفاده قرار گیرد.

نکته کلیدی: سعی کنید از سیستم هرمی در ترید بر روی انتهای کارکشن ها استفاده نمایید نه سیکل های ترند پنج موجی. به طور کلی استفاده از سیستم هرمی برای افزایش حجم سرمایه فقط توسط تریدرهای مجرب مجاز می باشد.

نکته کلیدی: زمانی که بر اساس سیستم هرمی وارد پوزیشن مجدد می شویم. استاپ لاس پوزیشن های قبلی نیز می بایستی بر اساس استاپ اولیه پوزیشن های جدید اصلاح و جابجا گردد. به عبارتی ساده تر از استاپ لاس و تارگت های ترید جدید استفاده می نمایم.

در مثال زیر بعد از گرفتن پوزیشن اول مجددا شرایط مناسب برای فروش شکل گرفته است.



تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.

نکاتی کلیدی در مورد تریدر های مجرب با روش ورود سریع

این دسته از تریدرها در دو نقطه از بازار ترید می کنند، انتهای کارکشن های ABC یا ABCDE و انتهای سیکل های ترند 5 موجی. حتما به یاد دارید که بر خلاف تریدرهای مجرب، تریدرهای غیر مجرب فقط می بایستی در انتهای کارکشن ها نسبت به گرفتن پوزیشن اقدام نمایند.

نکته کلیدی: در ترید در انتهای امواج 5 موجی، ترجیح بر این است که انتهای موج 5 در کلاستر فیوناچی اکستنشن 127 تا 162 موج چهار به پایان برسد. عبور از این کلاستر و یا نرسیدن به این کلاستر در حد 10 پیپ برای یک سوینگ تریدر قابل قبول است. این فاصله 10 پیپ برای سایر کلاستر های مانند انتهای کارکشن ها نیز قابل قبول می باشد.

نکته کلیدی: زمانی که تارگت اول زده شود این امکان وجود دارد که استاپ لاس سایر نیمه های باز پوزیشن به نقطه ورود منتقل گردد. به این کار اصطلاحاً Break Even گفته می شود. به یاد داشته باشید که در صورتی که از این روش جابجایی استاپ استفاده نمایید دیگر مجاز به استفاده از سایر روش های تریلینگ استاپ برای جابجایی استاپ نیستید و یا به عبارتی ساده تر تا رسیدن به تارگت نهایی استاپ در همین نقطه ورود باقی می ماند. انتخاب روش بهینه به عهده تریدر می باشد.

جمع بندی نهایی دوره

شخصی سازی سیستم ترید: نکته بسیار مهمی که در این دوره آموزشی باید به آن توجه داشته باشید این است که شما الزاما نیازی نیست همانند استراتژی عنوان شده در این دوره عمل نمایید. شما ممکن است این استراتژی را با ابزاری معین ترکیب نمایید تا به استراتژی مورد نظر خود برای ترید در این بازار دست پیدا کنید.

مکتوب کردن سیستم ترید: بنابراین شما ممکن است در هر بخش از استراتژی الیوت مابنری مانند ورود، خروج یا تریلینگ استاپ از ابزاری کمکی و اضافی استفاده نمایید. آنچیزی که بسیار حایز اهمیت است این است که قوانین ترید شما می بایستی قبل از اینکه شروع به ترید کردن نمایید کاملا معین و مشخص و به صورت مکتوب باشد.

داشتن نظم: بعد از شخصی سازی و مکتوب کردن سیستم ترید خود می بایستی به صورت منظم آنرا در بازار پیاده سازید و به اصوا سیستم ترید خود همیشه پایبند باشید.

صحبت پایانی

در پایان تشکر می کنم از همه دوستانی که با صبر و حوصله، مطالب این دوره آموزشی را مورد توجه قرار دادند. شما می توانید در صورت نیاز به هر گونه راهنمایی بیشتر در ارتباط با این دوره، مستقیماً به ایمیل اینجانب به آدرس behzadov@yahoo.com پیغام ارسال نمایید.

در پایان یادآوری می کنم که سطح ارایه شده این دوره برای هر تردری از تازه کار تا حرفه ای قابل استفاده بوده که ان شالله در فرصتی مناسب دوره تکمیلی و تخصصی این دوره را که شامل جزئی ترین و جدید ترین نکات الیوت به سبک ماینر می باشد ارایه خواهم داد.

خواهشمند است دوستانی که تمایل به شرکت در دوره های آموزشی الیوت حضوری به صورت خصوصی و یا نیمه خصوصی (یک تا پنج نفره) را دارند برای دریافت اطلاعات تکمیلی مستقیماً با اینجانب تماس بگیرند. ضمناً امکان برگزاری دوره به صورت فشرده در یک کارگاه 3 روزه (صبح تا شب) برای دوستان ساکن شهرستان میسر می باشد.

کلیه دوستانی که دوره های آموزشی حضوری را با اینجانب گذرانده باشند، می توانند به مدت سه سال از اشتراک هفته نامه تحلیلی که حاوی تحلیل های کامل الیوتی (مختص سویینگ تردرها) بر روی نزدیک به 10 جفت ارز می باشد استفاده نمایند که این هفته نامه به صورت فایل پی دی اف به ایمیل افراد ارسال می گردد.

امیدوارم هر جا که هستید همواره موفق و موید باشید و در مسیر تردید، روزهای خوشی را برایتان آرزومندم.

ارادتمند- بهزاد بهزادی

بهار 1389 خورشیدی

تذکر مهم ©: بر اساس قوانین کپی رایت، چاپ و نشر این جزوه بدون مجوز نگارنده در هیچ سایت یا موسسه ای مجاز نمی باشد.